

چهل پیش از تاریخ

دکتر سعید قاضی پور

مریم السادات ساجدی



مقدمه ۷

فصل اول

چهل در آفرینش آدم ، نوح و ۹

فصل دوم

چهل در عهد عتیق ۴۱

مقدمه

به نام خدا

آنچه پیش روست قسمتی از چهل در ادوار زمان است که به عنوان دائره المعارف چهل در حال گرد آوری است که از چهل در آفرینش، در دوره کهن و عهد عتیق و چهل پیش از اسلام تا ظهور پیامبر اسلام را شامل می شود و پیش از این چهل در آیات و روایات گردهم آمد و ارائه شد و در این مقال به چهل پیش از تاریخ پرداختیم. امید است توفیق آماده سازی نهایی دائره المعارف چهل حاصل آید. ان شاء الله.

دکتر سعید قاضی پور

همراه با خواهرزاده گرامی ام خانم مریم السادات ساجدی



فصل اول

چهل در آفرینش آدم ، نوح و ...

آدم زاده چهل صبح - چهل عدد کامل

اما توجه به چهل - که عدد کاملی است - از اینجا پیدا شد که، در حدیث قدسی آمده:

(خَمَرَتْ طِينَةَ آدَمَ بِيَدَيَّ اَرْبَعِينَ صَبَاحاً)

و به این جهت، آدم را زاده چهل صبح و چهل صباح دانسته اند.

منبع:

کتاب بیت رساء فارسی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، جلد ۱، صفحه ۱۴۷

الف) احیاء العلوم، جلد ۴، صفحه ۲۳۸

ب) احادیث مثنوی، صفحه ۱۹۸

ج) مقدمه ای بر مبانی عرفانی و تصوّف، دکتر سید ضیاءالدین سجادی.

د) طبقات، محمد ابن سعد ابن سعد، جلد ۱، صفحه ۲۵۵.

ه) رساله سیر و سلوک منسوب به علامه بحر العلوم، جلد ۱، صفحه ۳۰.

و) حیاة القلوب، محمدباقر مجلسی، جلد ۱، صفحه ۱۰۳.

ز) العروة الوثقی الخلوه و الجلوه، علاء الدوله سمنانی، صفحه ۲۱۶.

ح) اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی (عج)، علی اصغر رضوانی، جلد ۱، صفحه ۲۴.



خلقت آدم چرا چهل صبح بود؟

اندر آن گل اندک اندک می فروزد.

.... در قصص قرآن ص ۵ آمده است، چون خاک آدم آماده شد، خدای تبارک و تعالی بر خاک آدم چهل روز باران اندوه بارانید. و یک ساعت باران شادی؛ آنگاه گل آدم به صورت بیالایید و از آن چه صافی بود، آدم را بیافرید.

منبع:

الف) احادیث مثنوی، صفحه ۱۱۵ و ۲۱۳.

ب) شرح تحلیلی اعلام مثنوی جلال الدین محمد مولوی، میرجلال ابراهیمی، جلد ۱، صفحه ای ۵۸ و ۵۹.



گریه چهل روز آدم بر کوه صفا

همانا آدم (ع) بر کوه صفا چهل روز در حالت سجده باقی ماند و از فراق بهشت و خروجش از رحمت الهی گریه کرد.

منبع:

الف) رموز اسرار آمیز عدد چهل محسن آشتیانی، صفحه ۸۸.

ب) بحار الانوار، جلد ۱۱؛ صفحه ۲۲۸.

ج) در تفسیر علی ابن ابراهیم آمده در بحار ۵۲، صفحه ۴۳.



چهل شب گریه آدم (ع) بر هابیل

آدم علیه السلام، هابیل را کشته دید، پس فرمود: «لعنت بر تو ای زمین که خون هابیل را خود فرو بردی و چهل شب آدم (ع) بر هابیل گریه کرد. سپس از خدا خواست که فرزندی باو بدهد. پس فرزندی پیدا کرد و نامش را هبء الله (خدابخش) گذارد. زیرا خداوند او و خواهرش را که دو قلو بودند، به آدم بخشید.

منبع:

الف) کمال الدین، صفحه ۱۳.

ب) نکته ۵۵ از ۶۰ پیرامون اربعین در اینترنت، روضه کافی، ترجمه رسول محلاتی، جلد ۱، صفحه ۱۶۳.



شریعت ابوالبشیر و کتاب او

کتاب ابوالبشیر آدم (ع) بقولی محتوی بود بر چهل صحیفه و مضمون صحف او، اسرار حکمت طبیعی و معرفت منافع و مضار ادویه و کیفیت تسخیر جن و شیطان.

منبع:

تاریخ جیب السیر فی اخبار افراد بشر، غیاث الدین ابن همام الدین خواند میر، جلد یک، صفحه ۱۸.



چهل فرزند آدم

چون بعد از دویست و پنجاه سال، توبه او قبول شد، در عرفات حوّا را بازیافت و روایت صحیح آنست که، چون حق تعالی او را چهل فرزند داد ... به جای کعبه بنهاد تا آخر حیات او آنجا بود.

منبع:

طبقات ناصری تاریخ ایران و اسلام، عثمان ابن محمد، منهج سراج، جلد ۱، صفحه ۱.



قال: « تعلق الله آدم علی صورته ...

نه فرشته و نه جن و نه دد و نه دام و نه حوش، هیچ صورتی بدین نیکویی نبود. و بالایی آدمی چندانی بود که از زمین تا بر آسمان و چهل سال کالبد آدم به زمین افکنده بود، آنچا که امروز خانه کعبه است. و هر که بر وی بگذشتی، از فرشته و دیگر گونه، از آن صورت عجب داشتی.

منبع:

تجلی اسطوره در شعر حافظ، محمد سرور مولایی، جلد ۱، صفحه ۱۱.



فرزندان آدم

فرزندان صلیبی آدم چهل تن در بیست شکم بودند. هر شکمی یک پسر و یک دختر.

منبع:

ترجمه قرآن (خواجوی، محمد خواجوی، جلد ۱، صفحه ۵، شأن نزول سوره مائده



قصه بیرون گرفتن ذرّیت از پشت آدم

پس از ذرّیت آدم را چه خواست بود تا روز قیامت همه بر آدم عرضه کرد. گروه گروه همی گذشتند تا به گروه پیغمبران رسیدند. پس همه پیغمبران را برو عرضه کردند و آدم همی پرسید از جبرائیل که: «این کیست؟» و جبرائیل او را همی گفت: «که این فلان گروه هست و آن فلان کسی است و آن فلان پیغمبر است». پس اندر صف پیامبران یکی را همی دید که همی گریست زار. آدم مرجبرئیل را گفت: «این کیست یا جبرائیل که چنین همه گرید؟» جبرئیل گفت: «این پیغامبری از فرزندان تو داوود خوانند». آدم گفت: «چه بودست او را که چنین می گرید؟» گفت: «او به گناهی مرتکب گردید همچنان که تو گشتیف اکنون بر گناه خویش می گرید». پس آدم گفت: «یا جبرئیل، زندگانی او چندست؟» گفت: «شصت سال». گفت: «اگر من چیزی از زندگانی خویشتن بوی دهم، روا باشد؟» گفت: «باشد». آدم گفت: «من چهل سال از زندگانی خویش (۱۰۰ سال) به وی دادم تا صد سال تمام شود».

منبع:

ترجمه تفسیر طبری، محمد بن جریر طبری، "فراهم شده در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانی ۳۵۰ تا ۳۶۵ هـ ق"، جلد ۳، صفحه ۵۶۲.



گِل سرشت آدم در آفرینش

در آفرینش چهل سال گِل سرشت آدم در مکه بود.

منبع:

تبصره العلوم فی معرفه مقالات، مرتضی بن داعی علم الهدی، ج ۱، ص ۱۶۱.



انسان در آفرینش

۴۰ سال بعد از آفرینش انسان، آدم بین مکه و طائف بود.

منبع:

الف) قصص قرآنی نیشابوری، ص ۸.

ب) مرصاد العباد ۷۴، ادب فارسی.

ج) دیوان ابن سمین، ص ۳۳۹، ادب فارسی.

د) اسرار توحید فی مقامات، شیخ ابی سعید، محمد بن منور، ج ۲، ص ۴۴۵.



گندم از آسمان فرستاد

اشارت است بدانچه در داستان آدم آمده است. که چون به زمین آمد، چهل شبانه روز چیزی نخورد و گرسنه همی بود. خدای تعالی از آن درخت گندم که در بهشت خورده بود و از آن سبب از بهشت محروم مانده بود، یک ذره گندم بر دست جبرئیل داد و آدم را فرمود: «این را بکار که خورش تو و فرزندان تو از این خواهد بود».

منبع:

الف) قصص الأنبياء، جویری، صفحه ۲۱.

ب) شرح مثنوی، شهیدی، جلد ۴، صفحه ۶۹.



آدم صفوه الله

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی است که، آدم بعد از خطیئه سقوط نمود بزمین صفا، و زمین صفا را صفا گویند، برای آنکه صفوه الله یعنی آدم صفی (ع) در آنجا هبوط نموده و حواء بزمین مروه سقوط نموده و به همین مناسبت آن را مروه گویند، زیرا که مرئه یعنی زن در آن زول نموده، پس از آنکه آدم (ع) به زمین سقوط نمود، چهل روز بسجده افتاد و گریه کرد تا وقتی که جبرئیل (ع) بر او نازل شد و گفت: «ای آدم (ع)، آیا خداوند تو را بدست قدرت خود خلق ننموده و از روح خود در تو ندیده و تو را مسجود ملائکه خود قرار نداد؟ آدم (ع) گفت: آری، چنین است.» جبرئیل گفت: «مگر تو را نهی نفرمود که از شجره نخوری چرا مخالفت امر حق تعالی را نمودی و عصیان کردی؟ آدم گفت: «ای جبرئیل، شیطان قسم خورد بخدا که من نیک خواه شمایم و هرگز گمان نمی کردم که کسی بدروغ بخدا قسم بخورد».

منبع:

تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، نصرت، بیگم امین، جلد ۱، ص ۲۷۵

مصیبت فرزند

وقتی که حضرت آدم از او در باره برادرش هابیل پرسید، در جواب گفت: «مگر مرا نگهبان او کرده بودی؟ سپس او را به قربانگاه آورد و روشن شد که او هابیل را کشته است و حضرت آدم قابیل را لعنت کرد و دستور داد تا دیگران هم او را لعنت کنند و چهل سار در مصیبت فرزندش گریست تا این که خداوند به او وحی فرمود که من به تو در عوض هابیل پسری مرحمت خواهم کرد. و بعدها به حضرت حوّا، پسری پاکیزه و مولودی مبارک عطا کرد و در روز هفتم تولّدش وحی کرد او را هبّة الله نام بگذار و او نیز چنین نامید...»

منبع:

تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، قرشی، باقرشریف، جلد ۲، صفحه ۶۹.



آفرینش آدم (ع)

ابن سعد: چون آیه ی دین^۵ نازل شد، رسول خدا (ص) فرمود: «اولین کسی که منکر شد، آدم (ع) بود و سپس داستان بخشیدن چهل سال از عمر خویشتن به داوود را یاد کرد^۶.

همو: اولین اندامی که خداوند متعال از آدم بیافرید، سر او بود^۷.

نیز گوید: ابراهیم سه بار آهنگ مکه کرد؛ و در سومین سفر مردم را به حج فرا خواند و هر که شنید او را پاسخ داد. اما اولین کسانی که جواب دادند، «جرمم» بودند که پیش از عمالیق چنین کردند.

منبع:

نخستین ها، شوشتری، محمدتقی، ص ۱۶۶.

سرشتن آدم در چهل روز - وحدت و ثنویت

ابن عربی در سرتاسر فصّ آدم بر دو نکته تأکید می ورزد. نکته اول درهم سرشته شدن وحدت و ثنویت است: عالم غیب و عالم شهادت، عالم ظاهر و عالم باطن. خداوند نیز خود را به اسماء و صفاتی چون ظاهر و باطن، لطف و قهر، رضا و غضب، جمال و جلال خوانده است. این دو دستکی اسماء و صفات خداوندی است که در وجود انسان ها انعکاس یافته، ظاهر و باطن حق در آدمی به صورت جسم و جان جلوه گر شده، قهر و لطف او به شکل خوف و رجا درآمده و غضب و رضای حق هیبت و انس را در آدمی پدید آورده است. از این دو دستکی، صفات و اسماء الهی به دو دست تعبیر رفته است. آنجا که می گوید: «سرشت آدم را به چهل روز با دو دست خود سرشتم». مقصود آن است که از هر دو دسته صفات متقابل حل نمونه ای در وجود آدمی هست. پس ساحت وجود آدمی نیز دو گانه است. او ظاهری دارد و باطنی، جسمی دارد و جانی، غیبی و شهادتی.

منبع:

فصوص الحکم، موحد، محمدعلی، ص ۱۵۰.



سفرهای حج آدم (ع)

و مؤید این روایتست که، اصحاب ما از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده اند که آدم (علیه السلام) پیاده آمد به کعبه هزار و هفتصد نوبت جهت حج و سیصد نوبت جهت عمره و می آمد از جانب شام و حج می کرد سواره بر گاو نر.

و بعضی روایت کرده اند که آدم (علیه السلام) از هند چهل نوبت پیاده بحج آمد. و در بعضی روایات آمده که در طوفان نوح کعبه را به آسمان چهارم بردند و بیت معمور عبارت از آنست، بعد از آن امر کرد خدای تعالی ابراهیم (علیه السلام) را که بنا کن خانه

کعبه را به جای آن خانه و جبرئیل (علیه السلام) تعیین نمود جای او را.

منبع:

تفسیر شاهی او آیات الأحکام، جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم، جلد ۱، صفحه ۴۲۶.



خلق الانسان و از زمین عمل آوردن توسط عزرائیل

«و آن، آن بود که دنیا پیش از آدم (ص) جن بنوالجان داشتند. و انواع فساد می کردند در زمین، تا خدای تعالی، فرشتگان فرستاد بر زمین، تا جن را از زمین بجزایر دریا تاختند. ابلیس خود را در میان فرشتگان اوگند می بود و طاعت می کرد...». «اگر عاصی خواهند بود، پریان عاصی بودند»؛ «عزرائیل آمد و قصد کرد ببر گرفتن خاک زمین از وی زنهار خواست. عزرائیل گفت: مرا فرمان خدای نگاه باید داشت نه مراد تو. آنگاه از همه زمین یک قبضه خاک برگرفت، چهل ارش غلظ و ستبری آن»؛ «آنگاه خدای تعالی بر آن خاک آدم (علیه السلام) چهل روز باران اندوهان بارانید تا آغشته گشت».

منبع:

تاریخ ترجمه از عربی به فارسی از آغاز تا عصر صفوی، آذرنوش، آذرتاش، صفحه ۱۴۵.



چهل سال میان مکه و طائف

گفت: «در رو در این کالبد. جان را دشوار آمد و در شدن در آن کالبد»؛ پیش از آنکه خدای تعالی جان در کالبد آدم آورد، چهل سال میان مکه و طائف او گنده بود و صلصال. «ابن عباس گوید رضی الله عنه: «چون ابلیس ابا کرد از سجود آدم، خدای

تعالی او را بنفرید. فریشتگان او را می انداختند از آسمان با آسمان تا بزمین، و از زمین بزمین تا بقعر دریا. صد سال در آنجا بود. پس بیرون آمد زشت ترین صورتی، ازرق و اعور، بهیچ چیز بنگذرد که نه آن چیز، پلید و مُتِن کند. و اگر آدمیان او را بر هیأت وی بینندی، بمیرندی»

(قصه ها، ۵۶/۱-۶۰).

منبع:

تاریخ ترجمه از عربی به فارسی از آغاز تا عصر صفوی، آذرنوش، آذرتاش، صفحه ۱۴۶



پیش از آفرینش آدم (ع)

« و آن، آن بود که دنیا پیش از آدم (ص) جن بنوالجان داشتند. و انواع فساد در زمین، تا خدای تعالی فرشتگان فرستاد بر زمین، تا جن را از زمین بجزایر دریا تاختند. ابلیس خود را در این میان فرشتگان اوگند می بود و طاعت می کرد...»؛ «اگر عاصی خواهند بود، پریان عاصی بودند»، «عزرائیل آمد و قصد کرد ببرگرفتن خاک. زمین از وی زنهار خواست. عزرائیل گفت: مرا فرمان خدای نگاه باید داشت نه مراد تو. آنگاه از همه زمین یک قبضه خاک برگرفت و چهل ارش غلظ و ستبری آن»؛ «آنگاه خدای تعالی بر آن خاک آدم (علیه السلام) چهل روز باران اندوهان ببارانید تا آغشته گشت. آنگه، یک ساعت باران شادی بر آن بارانید. و آن شادی یک ساعت آن باشد که بدر مرگ، بگوش بنده فرو گویند که «لا تخف و لا تحزن».

منبع:

تاریخ ترجمه از عربی به فارسی از آغاز تا عصر صفوی، آذرنوش، آذرتاش، صفحه ۱۴۵.



آفرینش آدم (ع)

و در مورد اصحاب یمین، شرط نمود. سپس همه آن دو آب را در کف خوش به یکدیگر مخلوط نمود. پس آنگاه آن را خشکانید و آن دو آب جامد گردید. سپس، خداوند آن دو را در برابر عرشش کرده آورد، در حالی که آن دو چکیده و کشیده گل بودند. سپس به ملائکه بادهای جهات شمال و جنوب و مشرق و مغرب فرمان داد تا بر این چکیده کل جولان دهند. پس آنها را گردانند و پروراندند. سپس آن را جزء جزء و جدا جدا کردند. و طبایع چهارگانه، دو تلخی (صفرا و سوداء) و خون و بلغم را، در آن جاری ساختند. پس، ملائکه بر آن آمد و شد کردند و طبایع چهارگانه را بر آن جاری ساختند. پس خون از جانب مشرق و بلغم از جانب شمال و تلخی زرد از ناحیه جنوب و تلخی سیاه از ناحیه مغرب. پس نفس روح بلند شد و بدن کامل گردید پس از جهت باد خون، حبّ زنان و درازی آرزو و حرص، و از جهت بلغم، حب طعام و نوشیدنی و گندم و بردباری و مدارا؛ و از جهت تلخی، غضب و سفاهت و شیطنت و ستمگری و گردنکشی و شتابزدگی؛ و از جهت خون، حب فساد و ارتکاب محرمات و شهوترانی ملازم او گردید. امام باقر (ع) فرمود که این مطلب را در کتاب امیرالمؤمنین (ع) یافتیم. و قمی در روایتش افزوده است: پس خداوند حضرت آدم (ع) را آفرید و چهل سال صورتی از او باقی ماند و ابلیس لعین بر او می گذشت و می گفت: این را برای چه کاری آفریده اند؟ حضرت فرمود: «پس ابلیس گفت اگر خداوند مرا امر به سجده بر این نماید، عصیان خواهم»

منبع:

کاشف الأسرار (طالقانی)، طالقانی، نظرعلی، جلد ۲، صفحه ۴۴۶.



آدم(ع) شصت سال از عمر خویش را به داوود بخشید

در تفسیر عیاشی، از بحرز آخر امام محمدباقر علیه السلام، روایت کرده است که حق سبحانه و تعالی یوم الذر اسماء انبیاء و عمرهای ایشان را بر آدم عرض کرد. و چون اسم داود و عمر او که چهل سال بود بر آدم ظاهر شد، گفت: «بار خدایا، عمر من بدان درازی و عمر داود بدین کمی، آیا اگر من چیزی از عمر خود را باو بدهم، مقبول خواهد شد و انفاذ خواهی کرد این بخشش را؟ وحی آمد که آری. پس آدم سی سال عمر خود را بدو بخشید. پس حق تعالی ثابت کرد برای داود سی سال عمر را که آن نزد خدای تعالی ثابت نبود و محو کرد از عمر آدم سی سال را که نزد خدای متعال ثابت بود. اینست معنی قول خدای تعالی که فرموده: «یَمْحُوا اللّٰهَ مَا یَشَاءُ وَ یُثَبِّتُ وَ عِنْدُ اُمِّ الْکِتَابِ». امام فرمود که بعد از انقضای اجل آدم، ملک الموت خواست که قبض روح کند، آدم گفت: «هنوز سی سال از عمر من باقی مانده» ملک الموت گفت: آن را به فرزند خود بخشیدی و این بخشش را حق تعالی در زبور نوشته. و از آن روز حق تعالی امر کرد بندگان خود را که معاملات را در کاغذ بنویسید که تا عندالحاجة سند ایشان باشد و انکار آن نتوانند کرد و ...

منبع:

تفسیر شریف لاهیجی، اشکوری، محمدبن علی، صفحه ۶۱۲



آدم (ع) شصت سال از عمر خویش را به داوود داد

حضرت در باره نخستین کتاب آسمانی که در روی زمین نوشته شده، سؤال شد، حضرت فرمود: «خداوند عزّ و جل، فرزندان آدم را در جلو چشمانش ظاهر ساخت. وقتی که آدم داود را دید، عرض کرد: «خداوندا، این شخص کیست که او را پیامبر کرده ای و عزّت به وی داده ای ولی عمرش را کوتاه نموده ای؟»

خداوند به آدم وحی کرد: «ای آدم، این شخص فرزند تو داود است. و عمر او چهل سال می باشد و من عمرها را تعیین می کنم و روزی ها را میان مردم قسمت می کنم. من هر چه خواستم محو می کنم و هر چه را خواستم، نگه می دارم، مادر کتاب ها نزد من است. اگر تو مقداری از عمرت را به وی بدهی، من به عمر او اضافه می کنم». آدم عرض کرد: «خداوندا؛ من شصت سال از عمرم را به وی دادم تا عمر او صد سال بشود».

منبع:

کلیّات حدیث قدسی، ترجمه کتاب الجواهر انسیه، حرعاملی، جلد ۱، صفحه ۲۲.



دلیل نافرمانی آدم (ع)

آدم چهل روز بسجده بود، و بر بهشتی که از دست داده بود، می گریست. تا آنکه جبرئیل بر او نازل شد و گفت: «آیا جز این بود که خدا تو را بدست قدت خود آفریده و از روح خود در تو دمید؟ و ملائکه را به سجده بر تو واداشت؟» آدم گفت: «همینطور بود.» جبرئیل گفت: «پس چرا وقتی تو را نهی کرد از خوردن آن درخت، نافرمانی کردی؟» آدم گفت: «آخر ابلیس بدروغ برایم سوگند خورد.»

منبع:

ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمدحسین، جلد ۱، صفحه ۲۱۱

در چهل روز طینت آدم را سرشتند

« وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَانَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سِوَاءَ لَلْسَائِلِينَ »

مؤلف: این عباس روایت می کند که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله، فرموده، که حق سبحانه زمین را در روز یکشنبه و دوشنبه خلق فرمود و جبال را در سه شنبه و اشجار و میاه را در چهارشنبه و سماوات را در پنج شنبه و شمس و قمر و نجوم و ملائکه و آدم را در روز جمعه.

علامه شعرانی: این روایت مخالف آن است که چهل روز طبیعت آدم را بسرشتند. و علمای نصاری که مانند ما به تفسیر این مسائل علاقه مندند. گویند: خداوند عالم در تورات و انجیل نمی خواست تفصیل مسائل علم طبیعی را بیان فرماید: بلکه غرضش بیان قدرت و عظمت و حکمت خود بود تا مردم او را بشناسند. لذا، جنبه طبیعی را به اجمال گذاشت.

منبع:

پژوهش های قرآنی علامه شعرایی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و...، شعرانی، ابوالحسن، ص ۱۱۴۳



سرشته شدن گل آدم به دست خداوند

ب ۱۲۱۲۶: اشاره به این حدیث است: «حَمَّرَ طِينَةَ أَدَمَ بِيَدِهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا» (گل آدم را چهل روز به دست خود سرشت)

منبع:

نثر و شرح مثنوی شریف (گولیپتناری، عبدالباقی، جلد ۳، ص ۶۱۱)

عزرائیل فرمان حق تعالی را انجام داد

پس خدای عز و جل عزریایل را بفرستاد. و عزریایل بیامد. و زمین مرو را نیز سوگند داد. و عزریایل گفت که فرمان حق تعالی بگفت تو و سوگند تودست باز ندارم. و پر بزمین فرو برد. و از مشرق تا مغرب چهل گز گل برداشت از روی زمین. جبرئیل و میکائیل بازگشته بودند و برنداشتند. و عزریایل برداشت. و عزریایل هر چند نام خدای و سوگندها که بر وی نهاد بزرگ بود، می خواست که فرمان خدای تعالی بجای آورد. و ایزد تعالی قبض ارواح در دست عزریایل کرد. و او را ملک الموت نام کرد. و اکنون از آن روز باز که خدای تعالی آدم را بیافرید، تا روز رستاخیز عزریایل موکل است بر قبض ارواح جمله خلائق. چنان که گفت عزّ و جل: «قُلْ يَتُوفَّاكُم مَلِكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ» (پس خدای عزّ و جل مر آدم را از گل بیافرید، صورتی که اندر او جان نبود و بر اندام ها، او ازین هفت اندام هیچ نبود، مگر صورتی بود (و) دست و (پای) و سر، و هیچ اندام ها برو پدیدار نیامده بود.

منبع:

ترجمه تفسیری، طبری، محمد بن جریر، جلد ۲، ص ۳۱۷.



کشته شدن هابیل به دست قابیل

وقتی که حضرت آدم از او در باره برادرش هابیل پرسید، در جواب گفت: «مگر مرا نگهبان او کرده بودی؟ سپس او را به قربانگاه آورد و روشن شد که او هابیل را کشته است و حضرت آدم قابیل را لعنت کرد و دستور داد تا دیگران هم او را لعنت کنند و چهل سال در مصیبت فرزندش گریست تا این که خداوند به او وحی فرمود که من به تو در عوض هابیل پسری مرحمت خواهم کرد، و بعدها به حضرت حوّا، پسری پاکیزه و مولدی مبارک عطا کرد و در روز هفتم تولدش وحی کرد او را هبة الله نام بگذار و او نیز

چنین نامید...».

منبع:

تحلیلی از زندگی امام سجاد (علیه السلام)، قرشی، باقر شریف، جلد ۲، ص ۶



چرا پرستو روی زمین راه نمی رود؟

حضرت فرمود: «هشتاد بار پاده و در اولین سفرش «صرد» به همراهش بود و مواضع آب را به او نشان می داد. و به همراه او از بهشت بیرون آمده بود. آدم از خوردن «صرد» و «پرستو» منع شد. مرد شامی پرسید: «چرا پرستو روی زمین راه نمی رود؟ حضرت فرمود: «زیرا بر بیت المقدس نوحه سرایی نمود و چهل سال بر آن گریست و همیشه به همراه آدم می گریست. و لذا، در خانه هایی سکنی گزید و نه (۹) آیه از آیات کتاب خداوند عزّ و جل که آدم در بهشت آنها را می خواند، به همراه داشت و تا قیامت نیز به همراه خواهد داشت. و آن آیات عبارتند از: سه آیه اول سوره «کَهِف»، سه آیه از سوره «إِسْرَاء» که عبارتند از: «و إِذَا قُرَأَتِ الْقُرْآنُ» به بعد (یعنی آیات ۴۵، ۴۶ و ۴۷ از سوره اسراء) و سه آیه از سوره «یس» یعنی از آیه: «و جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا» (یعنی آیات ۹، ۱۱ و ۱۰).

منبع:

ترجمه و متن عیون أخبار الرضا علیه السلام، ابوبابویه، محمدبن علی، جلد ۱، صفحه ۵۰۳.



کعبه از زمان آدم وجود داشته

آن کمک کرد، پس از پایان، اعمال حج را هم به آدم تعلیم داد. آدم هم که اعمال حج را در بهشت از فرشتگان دیده بود، با راهنمایی فرشته انجام داد. و بدین ترتیب، کعبه از زمان آدم وجود داشته اعمال آنها از همان تاریخ اجرا می گردیده و آدم چهل مرتبه با پای پیاده از هند تا مکه جهت زیارت سفر کرده است.

منبع:

ترجمه و شرح نهج البلاغه، زمانی، مصطفی، جلد ۳، ص ۹۲.



بیش از دمیده شدن روح در گل انسان

و سخت گردانید آن را تا حدّی که مراد را صوت و صدایی پدید آمد و وقت بهم زدن (و اصلا راجع است به بعض دیگر مانند: دندان ها و استخوان ها) «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمِإٍ مَسْنُونٍ» (همانا ما بیافریدیم انسان را از آب گل گندیده)، فخر رازی، در تفسیر این آیه گفته: «حماء مسنون: دلالت دارد بر این که آن خاک آب آمیخته متغیّر و گندیده شده بود و ظاهراً دلالت دارد بر این که این صلصال ولیده از حماء مسنون است لوقت معدود و اجل ممدود- و آن آب گل جامد- و صله را بحال خویش وا گذاشت تا وقتی معین و مدت معلوم باقتضاء حکمت و مصلحت (و اشاره است باین وقت معدود- « هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٍ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً» - هر آینه آمد بانسان مدتی از روزگار) (که چیزی مذکور نبود) (در مجتمع البیان می فرماید: «چیزی بود ولی مذکور نبود، زیرا که انسان) (وقتی خاک بود و گل و صلصال- چهل سال در ما بین گل بود تا این که) (اروح دمیده شد)

منبع:

شرح نهج البلاغه، احمد مدرس، وحید، جلد ۲، صفحه ۹۷.



گریه آدم (ع) برای هابیل

«وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْقَ عَلَيَّ يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ»^(۲)

«و از آنها روی برگرداند و گفت: وا اسفا بر یوسف! و چشمان او از اندوه سفید شد، ولی خشم خود را فرو برد و کفران نمی کرد.» این اشک و ناله بدان حد بود که به وی گفتند:

«قَالُوا تَاللَّهِ تَقْتَوْنَا تَذَكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ»^(۳)

«گفتند: به خدا، تو آنقدر یاد یوسف می کنی تا در آستانه مرگ قرار گیری، هلاک

گردی.»

همچنین آمده است که آدم (ع) برای هابیل چهل روز گریست.^(۴)

منبع:

مبانی تشیع در منابع تسنن، غضنفری، علی، صفحه ۲۹۵.



چهل فرزند آدم

چون بعد از دویست و پنجاه سال، توبه او قبول شد، در عرفات حوا را بازیافت و روایت صحیح آنست که، چون حق تعالی او را چهل فرزند داد ... به جای کعبه بنهاد تا آخر حیات او آنجا بود.

منبع:

طبقات نصری تاریخ ایران و اسلام، عثمان ابن محمد، منهج سراج، جلد ۱، صفحه ۱.

ان الله خلق آدم علی صورته ...

نه فرشته و نه جن و نه دد و نه دام و نه حوش، هیچ صورتی بدین نیکویی نبود. و بالایی آدمی چندانی بود که از زمین تا بر آسمان و چهل سال کالبد آدم به زمین افکنده بود، آنجا که امروز خانه کعبه است. و هر که بر وی بگذشتی، از فرشته و دیگر گونه، از آن صورت عجب داشتی.

منبع:

تجلی اسطوره در شعر حافظ، محمد سرور مولایی، جلد ۱، صفحه ۱۱.



قطع نسل قوم نوح چهل سل قبل از غرق

در روایتی از امام رضا (ع) آمده است که خداوند عزل و جل، عقیم فرمود نسل قوم نوح را و ارحام زنان آنان را تا چهل سال تمام. پس نسل آن ها قطع شد، بعد در آب غرق شدند. و در حالی که بچه ای نبود غرق شدند.

منبع:

الف) اصول کافی، جلد ۲، ص ۱۶۹.

ب) رموز اسرار امیز عدد چهل، محسن آشتیانی، صفحه ۸۲ و ۸۳.



نوح (ع)

۴۴۸۷، جامع الأخبار: روایت شده است که نوح (ع) بر سگی زشت روی گذر کرد و گفت:

«این سگ چه بدریخت است.»

سگ بر زانو نشست و با زبانی گویا و رسا گفت: «ای پیامبر خدا! اگر از آفرینش خدا ناخشنودی، مرا دگرگون کن».

نوح (ع) سرگشته شد و بدان سبب به سرزنش خود پرداخت و چهل سال بر خویشتن مویه کرد تا اینکه خداوند متعال، او را آواز داد: «ای نوح، تا چند مویه کنی، بر تو بازگشتم و توبه ات را پذیرفتم».

منبع:

دانشنامه عقاید اسلامی معرفت شناسی، محمد محمدی شهری، جلد ۶، صفحه ۵۳.



طوفان نوح

در زمان نوح (ع) طوفان نوح و با دیدن آب از آسمان چهل روز شده است.

منبع:

رموز اسرار آمیز عدد چهل، محسن آشتیانی، صفحه ۸۴.



در زمان حضرت نوح (ع)

در زمان حضرت نوح (ع) برای عذاب کفار چهل روز باران بارید.

منبع:

چهارصد نکته از تفسیر نور، جلد ۱، صفحه ۲۲۳

نوح (ع)

حضرت نوح (ع) که شیخ الأنبياء است، به محض گفتن «ان البنى من اهلى و انه وَعَدَكَ الحق» (هود ۴۵) معاتب شد به عتاب (فلا تسيلن ما ليس لك به علم) (هود ۴۶) و بعد از ورود این عتاب، حضرت نوح (ع) از خجالت تا چهل سال سر بالا نکرد.

منبع:

مصباح الشريعة و مفتاح الحقیقه، منسوب به امام جعفر صادق (ع)، از عبدالرزاق بن محمد هاشم گیلانی، جلد ۱، صفحه ۱۳.



طوفان نوح

و در مجمع و قمی (ره) از آن حضرت نقل نموده که خداوند قبل از طوفان نوح، چهل سال ارحام زنان را عقیم فرمود که نزایند و

... قمی از امام صادق (ع) نقل نموده که کشتی در امواج حرکت می کرد تا رسید به مکه و طواف کعبه نمود و ... و چهل شبانه روز آب از آسمان می ریخت و از زمین می جوشید تا

منبع:

روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، ثقفی تهرانی، محمد، جلد ۳، صفحه ۸۲ و ۸۳.



نوح (ع)

نوح بن لامخ به زمین شام در وجود آمدو از او سه پسر آمدند: «سام، حام و یافث و ...». چون به کشتی درآمد، چهل شبانه روز متواتر باران بارید و بیست و هفتم ماه ایار رومی، آب بالا گرفت و چهل گز از سر کوه ها بگذشت. و بعد از یک سال تمام، نوح (ع) از کشتی بیرون آمد و

منبع:

جامع التواریخ، (تاریخ افرنج، پایان و قیصره)، رشیدالدینی، فضل الله، جلد ۱، صفحه ۲۵ و ۲۶.



عقیم کردن قوم نوح قبل از طوفان

«الرَّهْمَدَانِيُّ ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو رَاهِيْمٍ بِنُ هَاشِمٍ عَنِ أَبِيهِ: «عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ، عَنِ الرَّضَا (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَأَيِّ عِلَّةٍ أَغْرَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الدُّنْيَا كُلَّهَا فِي زَمَنِ نُوحٍ (ع) وَ فِيهِمُ الْأَطْفَالُ وَ فِيهِمْ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ. فَقَالَ: مَا كَانَ فِيهِمُ الْأَطْفَالُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْقَمَ أَصْلَابَ قَوْمِ نُوحٍ وَ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ أَرْبَعِينَ عَامًا فَانْقَطَعَ نَسْلُهُمْ فَغَرِقُوا وَ لَا طِفْلَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَهْلِكَ بِعَذَابِهِ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ أَمَّا الْبَاقُونَ مِنْ قَوْمِ نُوحٍ فَأَغْرِقُوا».

بن هاشم از پدرش از عبدالسلام بن صالح هروی گفت: از امام رضا (ع) پرسیدم که به چه علت خدای عز و جل دنیا را غرق کرد در زمان نوح (ع) در حالی که بعضی از ایشان اطفال بودند و بعضی گناه نداشتند؟ فرمود: «در ایشان اطفال نبود، زیرا که خدای عز و جل عقیم گردانید اصلاب قوم نوح و ارحام زنانشان را چهل سال. پس نسلشان منقطع بود. پس همه غرق شدند و در ایشان طفلی نبود. خدای عز و جل بی گناه را به عذاب خود هلاک نکند.

منبع:

عیون اخبار الرضا علیه السلام (ترجمه روغنی قزوینی)، ابن بابویه، محمد بن علی، جلد ۲، صفحه ۱۲۴.



عقیم کردن قوم نوح (ع)

علی بن ابراهیم قمی از ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده: «چون خدای تعالی اراده فرمود هلاک قوم نوح علیه السلام را، عقیم نمود، ارحام زنان را چهل سال و مولودی از ایشان متولد نشد. و زمان یکه حضرت نوح از کشتی فارغ شد، امر فرمود خدا اینکه ندا کند به سریانانی جمیع حیوانات را، پس تمام حاضر شدند و داخل نمود در کشتی از هر جنسی جفتی.

منبع:

(حدقی، ۲۷۸۷)، تفسیر اثنی عشری، شاه عبدالعظیمی، حسین، جلد ۹، صفحه ۱۲۸.



نوح شیخ الأنبياء

گاهی ارسال بمعنی فرستادن است که پیمبران فرستندگان و پیغام آوران خداوندند که، بزرگواران بطور اختیار فرمان الهی را قبول می کنند و در امر تبلیغ، خود را در معرض هزار گونه آزار خلق مهیا می نمایند. و در مقام رساندن پیغام خداوند، از هیچ گونه فداکاری خودداری نمی کنند. مفسرین گویند: «اسم نوح عبدالغفار بوده و نوح لفظ سریانانی و به معنی سکونت است و بوجود او زمین از لوث کفار و مشرکین و بت پرستان طاهر گردید. و بقول بسیاری از مفسرین، او اول پیمبری است که صاحب شریعت و منصب اولوالعزمی گردید و نظر بزیادتی موسوم بشیخ الأنبياء کشته و بر تمام افراد بشر مبعوث شده و در سن چهل سالگی با پنجاه و هشت سالگی مبعوث پیمبری گردیده و

نهد و پنجاه سال چنانچه قرآن خبر می دهد، مردم را بحق و حقیقت دعوت نمود و چون دعوت او را پذیرفتند، درباره آنان نفرین نمود و همه غرق شدند.

منبع:

تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، امین، نصر ابیگم، جلد ۴، صفحه ۱۱۵



طواف نوح به دور کعبه

از طواف حضرت نوح نیز در روایات سخن به میان آمده است. و گر چه در نقلی گفته شده که از فاصله زمانی حضرت نوح تا حضرت ابراهیم- علیها السلام- هیچیک از پیامبران حج نگزارده، پیرامون خانه طواف نکرده اند. لیکن یعقوب می نویسد:

«خدای تعالی هود [بن عبدالله بن ریاح بن] خلود بن عاد بن عوض بن آرم بن سام بن نوح را مبعوث فرمود و او عاد را به عبادت و اطاعت پروردگار و دوری از محرّمات دعوت می کرد و آنها تکذیبش نمودند تا خدا سه سال باران را از آنان بازگرفت، پس کسانی از خود را به سوی کعبه فرستادند تا برای آنها از خدا باران بخواهند و آنها چهل روز به طواف کعبه و مراسم زیارت آن مشغول بودند...».

منبع:

حج در اندیشه اسلامی، قاضی عسکر، علی، جلد ۱، صفحه ۹۰



پیامبری نوح (ع)

حضرت نوح (ع) نخستین پیامبر بعد از حضرت شبت و ادریس (ع) است. او به کار تجاری اشتغال داشت و در چهل سالگی از سوی خداوند به رسالت مبعوث گردید و مسن ترین انبیاء و یکی از پیامبران اولوالعزم و ناصح امین، و عبد شکور است. حضرت نوح جد هفتمین بعد از آدم و پدر دومین نوع بشر، عادل، کامل، با خدا و واعظ عدالت و ایمانش مشهور بود.

حضرت نوح قومش را به عبادت و پرستش خدای یکتا دعوت و از پرستش بت ها نهی کرد و از عذاب روز بزرگ (طوفان و قیامت) برحذر داشت. اشراف خودکامه که دارای روح شیطانی بودند، ضلالت و گمراهی خود را به نوح نسبت دادند، ولی آن حضرت با ادب و متانت فرمود: «مرا با گمراهی چه کار؟ بلکه من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم که پیام های الهی را به شما ابلاغ می کنم.»

منبع:

باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد ۱، صفحه ۲۹.



عقیم کردن قوم نوح (ع)

گفت: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: یابن رسول الله، چرا خدا همه خشکی را در زمان نوح علیه السلام غرق کرد و حال آنکه در میان آنها کودکان و افرادی که گناه نداشتند بودند؟

فرمود: «کودکی در میان آنها نبود، زیرا خداوند صلب مردان قوم نوح و زحم زنانشان را از چهل سال پیش عقیم کرده بود و نسلشان منقطع شده بود. غرق گشتند در حالی که کودکی در میانشان نبود. و این طور نیست که خداوند بیگناه را به عذاب گنهکار معذب

دارد. و اما جماعتی از بازماندگان قوم نوح که غرق شدند، برای تکذیبی بودن که از پیغمبر خدا بودند، و جماعت دیگری برای رضایتشان بود، به تکذیب کنندگان و هر کس از امری دور باشد ولی بدان رضایت دهد، مانند کسی است که خود آن را انجام داده است.

منبع:

پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام)، قرشی، باقرشریف، جلد ۲، صفحه ۱۰۵.



رهانیدن نوح از طوفان

و شگفت داشتند که آمد شما را پندی یاد کردی از پروردگار شما بر زبان مردی از شما که بیم کند او شما را و تا بپرهیزید و تا مگر شما بخشاییده شوید؟ پس به دروغ داشتند ایشان او نوح را پس برهانیم او را از طوفان و آنانی را که بودند تا و در آن کشتی چهل مرد و چهل زن و به آب فرو بردیم آنانی را که به دروغ داشتند نشانه ای حجت های ما را از آنکه بدرستی که ایشان بودند گروهی کوران کوردلان.

منبع:

ترجمه قرآن (رواقی)، مترجم ناشناخته (قرن دهم)، صفحه ۱۳۳.



همراهان نوح در کشتی

بانواع و اقسام گوناگون بحضرت اذیت روا داشتند و نسبت سحر و دیوانگی بآن بزرگوار می دادند و نیز اذیت های دیگر از قبیل فحش و ناسزا حتی گاهی چنانچه گفته اند، در جواب نصیحت او، سنگ باو می زدند و او را مجروح می گردانیدند. و داستان او را در

چندین موضع از قرآن مجید مثل سوره هود و طه و قصص و جاهای دیگر، تا اندازه ای شرح داده ایم. وقتی نوح از ایمان آوردن قوم مایوس گردید و آنها مخالفت را بانتهای رسانیدند این است که خدا خبر می دهد که ما او را و آنهایی که با او در کشتی بودند، نجات دادیم و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و دروغ انگاشتند همه را غرق گردانیدیم. گفته اند کسانی که در کشتی با نوح بودند، بقول اسحاق سه پسرش بنام سام و حام و بافت و زنان آنها بودند و شش نفر دیگر که در آن مدت نهصد و پنجاه سال باو ایمان آورده بودند و کلبی گفته هشتاد نفر بودند، چهل مرد و چهل زن، بعضی از مفسرین دیگر گفته اند در کشتی هفتاد نفر بودند.

منبع:

تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، امین، نصرت بیکم، جلد ۵، صفحه ۲۳۰.



بالا آمدن آب در طوفان نوح

و چنین گویند که وقت طوفان نوح، آب از آن کوهی که در دنیا بلندتر بود، چهل گز برگزشته بود و آب تا ناف عوج بود و گروهی گویند تا سینه او بود.

منبع:

تاریخ ترجمه از عربی به فارسی از آغاز تا عصر صفوی، آذرنوش، آذرتاش، صفحه ۲۸.



عقیم شدن قوم نوح

فرمود: کودکی در میان آنها نبود، زیرا خداوند صُلب مردان قوم نوح و رَحِم زنانشان را از چهل سال پیش عقیم کرده بود و نسلشان منقطع شده بود. غرق گشتند در حالی که

کودکی در میانشان نبود. و این طور نیست که خداوند بیگناه را به عذاب گنهکار معذب دارد. اما جماعتی از بازماندگان قوم نوح که غرق شدند، برای تکذیبی بود که از پیغمبر خدا نمودند. و جماعت دیگر برای رضایتشان بود به تکذیب کنندگان، و هر کس از امری دور باشد ولی بدان رضایت دهد، مانند کسی است که خود آن را انجام داده است.»

منبع:

پژوهشی دقیق در زندگانی امامعلی بن موسی الرضا (علیه السلام)، قرشی، باقر شریف، جلد ۲، صفحه ۱۰۵.



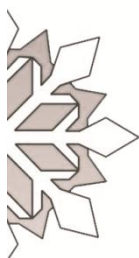
عقیم نمودن ارحام زنان قوم نوح

«فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا»: پس وقتی که آمد فرمان ما، «وَقَارَ التَّنُورُ» و بجوشید تنور. یعنی آب از تنور بجوشد. خدای تعالی جوشیدن آب را از تنور علامت هلاک قوم قرار داد. «فَأَسْلُكُ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ»: پس درآور در کشتی از هر جفتی دو تا نر و ماده. و «أَهْلُكُ»: و نیز در آور در کشتی اهل و قوم خود را که به تو ایمان آورده اند.

علی بن ابراهیم قمی از ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده: چون خدای تعالی اراده فرمود هلاک قوم نوح علیه السلام را، عقیم نمود ارحام زنان را چهل سال، و مولودی از ایشان متولد نشد. و زمانی که حضرت نوح از کشتی فارغ شد، امر فرمود: خدا این که ندا کند به سریانی جمیع حیوانات را، پس تمام حاضر شدند و داخل نمود در کشتی از هر جنس، جفتی.

منبع:

تفسیر اثنی عشری، شاه عبدالعظیمی، حسین، جلد ۹، صفحه ۱۲۸.



فصل دوم

چهل در عهد عتیق

چهل و قرآن مجید (قوم بنی اسرائیل)

آیه ۲۶ سوره مبارکه مائده:

« خداوند به موسی (ع) گفت: این سرزمین تا چهل سال بر آن ها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید) پیوسته در زمین سرگردان خواهند بود و درباره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار غمگین مباش.»

منبع:

قرآن مجید.



اهمیت عدد چهل در بنی اسرائیل

در تورات نیز عدد چهل دارای اهمیت است. در بنی اسرائیل قدیم مثل اسلام، تطهیر و مراسمی که در ارتباط با مرگ بود، طبق عدد چهل سنجیده می شد.

دوره بلا در بنی اسرائیل به چهل شمارش می شد. سرگردانی بنی اسرائیل در بیابان چهل سال طول کشید.

منبع:

رمزو اسرارآمیز عدد چهل، محسن آشتیانی، صفحه ۲۴.



مهلت چهل ساله فرعون

از امام صادق (ع) و از امام محمد باقر (ع) فرمودند: خداوند عزّ و جلّ میان جمله ای که فرعون گفت: «من پروردگار و والای شما هستم» تا جمله دیگری که گفت: «من معبودی جز خود برای شما نمی دانم» به او چهل سال مهلت داد. سپس او را به کیفر دنیا و آخرت گرفتار؛ و از وقتی که خداوند به موسی و هارون گفت: «هر آینه نفرین شما در باره فرعون به اجابت رسید» تا روزی که آن اجابت عملی شد، چهل سال طول کشید.

منبع:

(الف) اصول کافی، ترجمه کمره ای، جلد ۶، صفحه ۷۹

(ب) خصال صدوق، جلد ۲، صفحه ۵۳۹ و صفحه ۳۱۷ حدیث ۹ از ابواب اربعین.

(ج) بحار الانوار، جلد ۹۳، صفحه ۳۵۷.

(د) تفسیر سور آبادی، عتیق بن محمد سورآبادی، جلد ۵، صفحه ۲۹۳۰.

(ه) تفسیر نور الثقلین



ندا مت نفس

برتر از عبادت چهل ساله فردی از بنی اسرائیل

از حضرت موسی بن جعفر (ع) روایت شده، مردی از بنی اسرائیل خدا را چهل سال عبادت کرد. پس از آن یک قربانی در راه خدا نمود. قربانی او قبول نشد. پس به خودش خطار کرده گفت: «ای نفس، قبول نشدن قربانی من از (نالایقی) تو است و تقصیر و گناه از ناحیه توست». خداوند متعال به او خبر داد: «مذمت و سرزنش نفس خود نزد من از عبادت چهل سال تو برتر و افضل است.

منبع:

الف) اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۷۳ و ترجمه مصطفوی، صفحه ۱۱۷.



سرّ چهل سال سرگردانی بنی اسرائیل

آلوسی در باره سرّ چهل سال سرگردانی بنی اسرائیل می گوید: «چهل سال زمان لازم بود که بنی اسرائیل از نادانی خود در مخالفت با موسی (ع) دست بردارند».

برخی نیز، چهل سال از زمان لازم برای انقضای نسل نافرمان بنی اسرائیل که به اخلاق فاسد خو گرفته بودند و ظهور نسل جدید از آنان دانسته و بر آنند که، پس از آن زمان، نسل جدید بنی اسرائیل وارد سرزمین مقدس شد.

منبع:

الف) روح المعانی، مجلد ۴، جلد ۴، صفحه ۱۶۱.

ب) المنار، جلد ۶، صفحه ۳۳۸.

ج) مقاله رمز و رازهای عدد چهل از منظر قرآن و روایات، سید محمود دشتی.



میقات چهل روزه حضرت موسی (ع)

در باره حضرت موسی (ع) آمده است که وقتی آن پیامبر اولوالعزم به میقات رفت، قرار بر سی روز بود، اما به فرمان پروردگار ده روز دیگر تمدید شد.

«وَأَتَمَّنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِّمِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» (سوره اعراف، آیه ۱۴۲).

منبع:

الف) قرآن مجید

ب) در تورات هم میقات چهل روز و چهل شب موسی (ع) نقل شده است

ج) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، دکتر خسرو باقری، صفحه ۲۵۵.

د) رموز اسرارآمیز عدد چهل، محسن آشتیانی، صفحه ۲۲.

ه) تفسیر نمونه، جلد ۲۱، صفحه ۳۲۹.

**میقات چهل شب موسی (ع)**

آیه ۵۱ سوره مبارکه بقره:

«وَ إِذَا وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعَجَلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ اَنْتُمْ ظَالِمُونَ»

منبع:

الف) قرآن کریم.

ب) در تورات هم میقات چهل روز و چهل شب موسی (ع) نقل شده است.

ج) موعود نامه فرهنگ الفبایی مهدویت، مجتبی تونه ای، جلد ۱، صفحه ۲۶۲.

**چهل سال ممنوعیت ورود بنی اسرائیل به سرزمین مقدس**

در آیه ۲۶ مائده، از چهل سال ممنوعیت ورود بنی اسرائیل به سرزمین مقدس و چهل سال سرگردانی آن در قطعه ای از زمین خبر داده است. این ممنوعیت پس از آن بود که موسی (ع) به قومش برای ورود به سرزمین مقدس فرمان داد: «اما بنی اسرائیل به این

دلیل که در آنجا مردمی جبارند، از اطاعت موسی (ع) سر باز زدند و گفتند تا آنان از آنجا بیرون نروند، ما هرگز وارد آن شهر نمی شویم».

منبع:

الف) قرآن مجید.

ب) در تورات نیز، داستان سرگردانی بنی اسرائیل ذکر شده است.

ج) مقاله مرز و رازهای عدد چهل از منظر قرآن و روایات، سید محمود دشتی.

د) کتاب چهارصد نکته از تفسیر نور، جلد ۱، صفحه ۲۴۳.

ه) روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، محمد ثقفی تهرانی، ج ۲، صفحه ۴۷۰.



گریه چهل روزه داوود (ع)

مولی امیرالمؤمنین (ع) فرمود: « خداوند عزّ و جلّ به داوود پیغمبر وحی فرستاد که ای داوود، خوب بنده ای هستی، اگر خودداری نمایی از بیت المال و از آن روزی نخوری و بدست خویش کار کنی و چیزی سازی و از کارکرد خویش ارتزاق کنی». حضرت داوود از این توبیخ و تغیر و سرزنش پروردگار چهل روز گریست. آنگاه وحی رسید به آهن که: «از برای بنده غیور کارگرم نرم شو». پس فلز عام المنفعه به امر پروردگار آهن نرم شد. «و أنزلنا الحديد فيه بأس شديد» و حضرت داوود هر روز زرهی می ساخت و به هزار درهم می فروخت. تا اینکه سیصد و شصت زره بدست خود ساخت و سیصد و شصت هزار درهم بفروخت و از بیت المال بی نیاز گشت.

منبع:

الف) فروغ کافی، صفحه ۷۳.

ب) رموز اسرارآمیز عدد چهل، محسن آشتیانی، صفحه ۸۹

گریه چهل سال یعقوب (ع)

چهل سال یعقوب (ع) در فراق یوسف گریست.

منبع:

مجالس الواعظین، جلد ۱، صفحه ۲۲۵.



چهل روز در بیابان

موسی (ع) و الشیع (ع) و مسیح (ع) هر یک چهل روز را در بیابان سپری کردند.

منبع:

رموز اسرارآمیز عدد چهل، محسن آشتیانی، صفحه ۲۴.



صحرای عربستان

بنی اسرائیل در قرن پانزدهم قبل از میلاد، به مدت چهل سال در صحرای عربستان بدون **مترجم** بسر بردند.

منبع:

ترجمه تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، جلد ۱، صفحه ۹.



بنی اسرائیل

نخستین کسی که بر آنها چیره شد، مردی از نسل لوط بود که "کوشان" نام داشت که

خوار و زبونشان کرد. آنگاه برادر کوچک طالب پسر قنس، بنی اسرائیل را از دست وی برهانید و چنانکه گفته اند، چهل سال سالاری قوم داشت.

منبع:

الف) تاریخ طبری، محمد ابن جریر طبری، جلد ۲، صفحه ۳۷۸.



اثر شوم خود پسندی

مردی در بنی اسرائیل چهل سال کارش دزدی بود. روزی عیسی (ع) با عابدی از عباد بنی اسرائیل که از یاران و ملازمان بود، بر او گذشتند در حالی که عابد پشت سر عیسی (ع) در حرکت بود. دزد با خود گفت: «این پیامبر (ع) خداست و در کنار او، یکی از حواریون است. اگر من هم با آنان حرکت کنم، نفر سوم آنها خواهم شد». پس بدنبال آنان به راه افتاد. می خواست به دوست عیسی نزدیک شود، اما سخت خودش را خرد شمرد و گفت: «من کجا و او کجا». آن حواری با مشاهده آن مرد با خود گفت: «شخصیتی مثل من نباید با او در حرکت باشد». پس او را عقب انداخت و خود را در کنار عیسی (ع) قرار گرفت. مرد دزد در حرکتش تنها ماند. خداوند به عیسی وحی کرد که: «به هر دو نفر اینان بگو اعمال خود را از سر بگیرند. اما حواری به خاطر عیبی که کرد، اعمالش حفظ شد و اما دیگری را به خاطر خوار شمردن نفسش بخشیدم». عیسی این واقعه را به هر دو گفت و دزد را با خود همراه کرد. او نیز با جبران گذشته، از اصحاب و یاران عیسی شد.

منبع:

الف) عرفان اسلامی، جلد ۱، صفحه ۲۴۶.

ب) عرفان اسلامی، تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، حسین انصاریان، جلد ۱۳، صفحه ۴۰.

روایت تورات

در هر صورت، اسباب جنگ میان بنی اسرائیل و فلسطینیان به چرخش افتاد. و اگر یاری و نصرت الهی و پردلی داوود (ع) نمی بود، چنانکه او جالوت، فرمانده فلسطینیان را کشت، چه بسا شکستی سنگین را می پذیرفتند. و بنا بر روایت تورات، جالوت (جلیات) طی چهل روز هر صبح و شام به آوردگاه می آمد بی آنکه کسی از بنی اسرائیل دل همآورد شدن با او بیاید تا اینکه ...

منبع:

بررسی تاریخ قصص قرآن، محمد بیومی مهران، جلد ۳، صفحه ۲۰.



بنی اسرائیل

از مرگ یوشع که آشفته‌گی کار بنی اسرائیل آغاز شد، و رشته زندگی ایشان گاهی به دست قاضیان و گاهی بدست پادشاهان و گاهی به دست پیروزمندان می افتاد. تا هنگامی که پایه فرمانروایی در میانشان استوار یافت و سر و سامان پذیرفت و اشمویل به پیامبری رسید، چهارصد و شصت سال به درازا کشید. نخستین کسی که بر آنان چیره شد، مردی از بازماندگان لوط بنام کوشان بود. که ایشان را شکست داد و هشت سال آنان را در سختی و بدبختی نگاه داشت. بعد یکی از برادران کوچک طالب که عتیل خوانده می شد، ایشان را از دست او نجات داد و چهل سال سررشته کار را در دست گرفت.

منبع:

تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران (وقایع قبل و بعد از اسلام)، جلد ۳، صفحه ۵.



در عهد عتیق

در عهد عتیق آمده است که، بنی اسرائیل چهل سال در بیابان گوشت پرنندگان و نانی لطف و نازک می خوردند و از آن ارتزاق می کردند.

منبع:

الف) کتاب مقدس سفر خروج، باب ششم.

ب) نثر و شرح مثنوی شریف، (گولپنیارلی) عبدالباقی گولپنیارلی، جلد ۱، صفحه ۹۷.



چهل تن از بنی اسرائیل در کوه طور بسوختند

موسی (ع) با چهل تن به کوه طور رفت و ایشان جمله بسوختند تا خدای تعالی ایشان را به دعای موسی زنده کرد. و هارون (ع) هم به دعای موسی زنده شد و هیچکس ایشان را به بهشت قبول نکرد.

منبع:

مناقب الطاهرین، حسین بن علی طبری، جلد ۲، ص ۵۲۰.



ابتلا و آزمایش داوود

آن دو فرشته به آسمان رفتند و داوود متوجه قضیه شد و فهمید که مورد ابتلا و آزمایش واقع شده است. پس چهل روز بحالت سجده باقی ماند. شب و روز گریه می کرد و سر از سجده بر نمی داشت. مگر برای نماز. تا آنکه پیشانی او پینه بست و از چشمانش خون جاری شد. پس از چهل روز، هائفی ندا در داد: «ای داوود، تو را چه می شود؟ اگر گرسنه هستی، سیرابت نمائیم و اگر برهنه ای بپوشانیم و اگر می ترسی، ایمنی به تو

بخشیم...».

منبع:

تفسیر جامع، محمدابراهیم بروجردی، قرن ۱۴ هـ، تفسیر آثوره، جلد ۶، صفحه ۲۳ و ۲۴.



چهل روز تموز

در بسیاری از شهرها تموز را به مطلق (تابستان) گویند و غالباً آن را با چله استعمال می کنند. مثلاً چله تموز فرا رسید. چنان که گویند چله زمستان.

ماه تموز برابر است با ماه ژوئیه فرنگی.

بعضی شارحان، چهل روز را روز چهلم معنی کرده اند.

در پاسخ فرعون موسی را علیه السلام:

این نخواهد شد و به روزی و دو روز مهلت ده تا چهل روز تموز

منبع:

شرح مثنوی (شهیدی)، جعفر شهیدی، ج... .



دوره ریاضیت و تهجد و مناجات حضرت موسی (ع)

دوره ریاضت و تهجد و مناجات حضرت موسی (ع) در کوه طور نیز، چهل شبانه روز به طول انجامیده بود.

منبع:

ادیان شناسی، جمعی از نویسندگان، جلد ۱، صفحه ۹۰.



جایگاه عدد چهل در تکامل جامعه

وقتی حضرت موسی به بنی اسرائیل امر کرد که وارد سرزمین فلسطین شوند، بنی اسرائیل بعلت عقده حقارت و خودکم بینی و ترس گفتند: «ای موسی، قوم جبّاری در آن سرزمین هستند تا آنها از آنجا خارج نشوند، ما وارد نمی شویم. وقتی خارج شدند، ما هم وارد می شویم». به همین خاطر، خداوند به حضرت موسی (ع) فرمود: «فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيَهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (همانا آن سرزمین بر آنها به مدت چهل سال حرام است (در این مدت) در زمینی سرگردان خواهند بود و برای مردم فاسق ناراحت و متأسف نباش) (سوره مائده آیه ۲۶).

آری باید چهل سال بگذرد تا بتدریج نسل موجود از بین برود و در فضای حریت و آزادی، یک نسل چهل ساله با ایمان و شجاع و سلحشور و با کمال جسم و عقل، بوجود آید و با قیام خود، دشمن را از سرزمین موعود اخراج نموده و وارد آن شوند.

منبع:

مقاله اسرار اربعین، مصطفی مشایخی، صفحه ۸ و ۹.



جانشینی هارون

به علی چنین فرمود: «زمانی که در جنگ تبوک او را جانشین خود بر مدینه کرد، مؤید مدعا آن که هارون که به او تشبیه شده، پس از موسی جانشین نبود، بلکه در حیات موسی و چهل سال پیش از درگذشت او وفات کرد. آن گونه که نزد اهل اخبار و قصص مشهور است. گفتند: «موسی، هارون را فقط هنگام رفتن به میقات پروردگارش برای مناجات، جانشین کرد. الله اعلم»

منبع:

خلاصه عباقات الأنوار حدیث منزل، کنتوری، میرحامدحسین، صفحه ۱۷۹.



بی ادبی قوم بنی اسرائیل

این داستان قرآنی در سوره بقره است. خداوند متعال چهل سال، از آسمان برای قوم حضرت موسی (ع) بی زحمت روزی می رساند. چه چیزی را با چه چیزیه عوض کردند؟ خدا هر روز برای آنها سفره می انداخت، اما آمدند گریبان موسی (ع) را گرفتند که ما سیر، پیاز و عدس می خواهیم. خطاب رسید: «ای موسی؛ از امروز به بعد، مائده من قطع می شود».

«إِهْبَطُوا مِصْرًا» «بگو به شهر بروید، هر چه می خواهید بکارید و با زحمت به دست بیاورید و بخورید. من دیگر کاری به شما بی ادبان ندارم»

این داستان در آخر سوره مائده نیز آمده است.

ماند رنج زرع و بیل و داس مان
خوان فرستاد و غنیمت در طبق
چون گدایان زله برداشتند

منقطع شد خوان و ناز از آسمان
باز عیسی چون شفاعت کرد، حق
باز گستاخان ادب بگذاشتند

منبع:

عرفان در سوره یوسف (متن سخنرانی)، شیخ حسن انصاریان، جلد ۱، صفحه ۱۲۳.



میقات موسی (ع)

و در قرآن کریم هیچ مسأله ای که مختص به آن جناب باشد، نیامده مگر جانشینی او برای برادرش در آن چهل روزی که به میقات رفته بود.

منبع:

با علامه در المیزان از منظر پرسش و پاسخ، شمسی، مرادعلی، جلد ۲، صفحه ۷۸۶.



بنی اسرائیل رها شد از چنگال فرعون

بنی اسرائیل رها شدن از چنگال فرعون، مأمور شدند وارد سرزمین فلسطین شوند، اما آنها از این دستور الهی سرپیچی کردند و چهل سال سرگردانی صحرای سینا، مجازات این عمل آنها بود. در این مدت، اتفاقات مختلفی برای آنان رخ داد. در همین زمان بود که حضرت یوسف به همراه تعدادی از بنی اسرائیل برای مناجات به دامنه کوهی به نام طور سینا رفت. در غیاب او، هارون جانشین وی گردید.

منبع:

سیمای یهود در قرآن، عبدالله حاجی صادقی، جلد ۱، صفحه ۱۷.



کنار گذاشتن از نیابت

اگر او را از نیابت و وزارت مستقل برکنار بدانیم، تقریباً در یک زمان و بدون فاصله‌ی زمانی است. لذا، آن کنار گذاشتن از نیابت، اهانتی برای او نیست که مستلزم نفرت انگیزی باشد، بلکه اهانت و نفرت انگیزی آن گاه تحقق می‌یابد که اگر از نیابت برکنار شود، درجه‌اش بالا نرود و به وزارت نرسد.

بدین ترتیب، خواهید دانست که همانندی میان آن چه آورده است و آن چه ما می‌گوییم، بسیار بی‌ارزش است. آنان مدعی تحقق «برکناری» برای حضرت هارون علیه السلام هستند، و می‌گویند: «این کاستی با نبوت استقلالی او مرتفع می‌شد. اگر زنده بودنش به مدت چهل سال، و حتی پس از درگذشت حضرت موسی، مقدر می‌شد».

منبع:

خلاصه عباقات الأنوار حدیث منزل، کنتوری، میرحامد حسین، صفحه ۳۸۱.



سرگردانی قوم یهود

حضرت موسی (ع) از پاسخ لجاجت آمیز قومش بسیار دل‌تنگ و ناراحت شد و نتیجه از خدا خواست که بین او و قومش جدایی بیفکند.

«قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»

(موسی گفت: پروردگارا! من تنها اختیار خودم و برادرام را دارم. میان من و این جمعیت فاسق جدایی بیفکن).

خواسته‌ی موسی مقبول درگاه حضرت حق واقع شد و قوم موسی (ع) به مدت چهل سال قدرت ورود در آن سرزمین مقدس را نداشتند.

منبع:

بشنو از نی، شرحی بر حکایات مثنوی، حق شناس، حسین، جلد ۳، صفحه ۳۶۴.



سرگردانی قوم یهود

«قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»

(خداوند به موسی فرمود: «این سرزمین تا چهل سال بر آنها ممنوع است، پیوسته در زمین سرگردان خواهند بود و درباره این جمعیت گنهکار غمگین مباش.»)

منبع:

بشنو از نی، شرحی بر حکایات مثنوی، حق شناس، حسین، جلد ۳، صفحه ۳۶۵.



میقات موسی (ع)

۱- موسی (ع) پس از حضور در میان قوم منحرف خویش، با نکوهیده خواندن شیوه آنان در غیاب وی، ایشان را بشدت توبیخ کرد.

«قال بئسما خلقتمونی من بعدی أعجلتم أمر ربکم»

۲- قوم موسی مدت زمان میعاد خدا با وی را کمتر از چهل شب، می پنداشتند.

منبع:

تفسیر راهنما، هاشمی رفسنجانی، اکبر، جلد ۶، صفحه ۱۸۸.



سرگردانی یهود

مجدداً گفتند: «ای موسی؛ تا آن مردم در آن سرزمین هستند، ابداً ما داخل آن سرزمین نخواهیم شد. و اگر چاره ای جز گرفتن آن سرزمین نیست، تو خودت با پروردگارت بروید و با آنان جنگ بکنید، ما همینجا نشسته ایم»

موسی عرضه داشت: «پروردگارا؛ من اختیار جز خودم و برادرم را ندارم و نمی توانم این قوم را به اطاعت فرمان تو مجبور سازم. پس بین من و بین این مردم عصیانگر جدایی بینداز». خدای تعالی فرمود: «به جرم این نافرمانیشان دست یافتن به آن سرزمین تا چهل سال بر آنان تحریم شد. در نتیجه، چهل سال در بیابان سرگردان باشند و تو برای این قوم عصیانگر هیچ اندوه مخور».

منبع:

ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمدحسین، جلد ۵، صفحه ۴۶۵.



سرگردانی قوم یهود

و بعد از آنکه آب پاکی روی دست پیغمبرشان ریختند، خدای تعالی همان سرنوشت را تغییر داده و مقدّر کرد که دیگر به آن سرزمین درنیابند؛ در نتیجه، در مسافت چهار فرسخ مدت چهل سال سرگردان شدند. «فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ». (و به موسی وحی شد که به حال مشتی مردم فاسق غمگین مباش).

منبع:

ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمدحسین، جلد ۵، صفحه ۴۸۱.



میقات موسی (ع) اعراف - ۱۴۲

«وَ إِذَا وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» ؟؟؟؟ چون وعده کردیم، موسی را چهل شبانه روز مسر آمدن طور را، و وقتی یافتن کتاب مسطور را) «ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ، وَ أَنْتُمْ ظَلِمُونَ» و باز گوساله را به معبودی گرفتید، سپس رفتن وی، و شما ستمکارانید بر تن خویش بگرفتن وی)، «ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (باز گشتیم از شما بعد توبه، یا بعد پرستیدن گوساله، تا شکر آرید همه ساله).

منبع:

تفسیر نسفی، نسفی، عمر بن محمد، جلد ۱، صفحه ۱۷.



قضای الهی و سرگردانی یهود

«كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» از ظاهر آیات برمی آید که مراد از این جمله این است که، خدای تعالی سکنی گزیدن شما بنی اسرائیل در سرزمین مقدس را مقدر فرموده؛ و این با جمله آخر آیه که می فرماید: «فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً» منافات ندارد، برای اینکه جمله مورد بحث کلامی است مجمل، و در آن «وقت» و «اشخاص» معین نشده، آنهایی که بطور یقین مشمول این قضای الهی بوده اند، همان یهودیان عصر موسی (ع) هستند، که همه آنان (بطوری که گفته شده) تا آخرین نفرشان در همان مدت چهل سال از دنیا رفتند، و داخل در سرزمین مقدس نشدند، تنها فرزندان و نوه هایشان بودند که همراه با وصی موسی یوشع بن نون (علیهم السلام) داخل در سرزمین فلسطین شدند. و سخن کوتاه اینکه، جمله «فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً» خالی از اشعار به این معنا نیست که فضای مذکور برای بعد از چهل سال بوده، و این قضاء همان قضایی است که آیه شریفه زیر متعرض آن است: «وَوُتِرِيدُ أَنْ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ». موسی (علیه السلام) هم امید چنین روزی را

برای امت خود داشت، البته به شرط

منبع:

ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمدحسین، جلد ۵، صفحه ۴۶۹.



حکم زنا در یهودیت

این وضع به همین صورت بود تا اینکه پسرعموی یکی از پادشاهان ما زنا کرد و ما سنگسارش نکردیم. چیزی نگذشت مردی دیگر از طبقه جامعه زنا کرد. همین که خواستیم سنگسارش کنیم، گفت: «به هیچ وجه نمی گذارم سنگسارم کنید. مگر بعد از آنکه پسرعموی شاه را سنگسار کنید». (و چون آبروی علمای یهود را در خطر دیدیم) جمع شدیم و از پیش خود حدی برای زنانی محصنه معین کردیم که آسان تر از سنگسار باشد و در اشراف و غیراشراف یکسان اجرا گردد. و آن، تازیانه و داغ نهادن بود، به این نحو که، چهل ضربه شلاق بخورد و سپس صورتش را سیاه کنند، و مرد زناکار را بر الاغی و زن زناکار را بر الاغی دیگر سوار کنند. آن هم به این نحو که روی آن دو به طرف دم الاغ باشد و بعد آن دو را در شهر بگردانند. از آن به بعد حکم زنا محصنه به جای رجم، چنین شکنجه ای شد.

منبع:

ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمدحسین، جلد ۵، صفحه ۵۸۶.



ادعای دروغین یهودیان

«وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً» (و گفتند ؟؟؟؟ و نسوزد ما را آتش دوزخ مگر روزهای شمرد، چهل روز که در عبادت گوساله به سر برده، یا مقدار عمری که در وی معصیت ها کرده).

«قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ» (بگوی یا محمد، اگر ؟؟؟؟؟؟ با خدای تعالی عهدی و خدای تعالی عهد خویش را خلاف نکند).

منبع:

تفسیر نسفی، نسفی، عمر بن محمد، جلد ۱، صفحه ۲۶.



میقات موسی و نخوردن و نیاشامیدن و نخوابیدن او در این مدت

می گویم: «در مصباح الشریعه، از امام صادق (ع) نقل شده که فرموده است: «مشتاق به هیچ خوردنی رغبت نمی کند، از هیچ آشامیدنی لذت نمی برد، هیچ خوابی گوارای او نیست، با دوستی انس نمی گیرد، و در خانه ای سکنی نمی گزیند، در هیچ آبادی آرام نمی گیرد، جامه نرم نمی پوشد و قرار و آرامش نمی یابد، جز این که شب و روز خداوند را عبادت می کند و امیدوار است به آنچه مشتاق آن است برسد و با زبان شوق با او راز و نیاز کند. و از آنچه در ضمیر دارد، پرده بردارد. چنان که خداوند از موسی بن عمران (ع) خبر داده که در میعادگاه پروردگارش می گوید: «وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى». پیامبر (ص) در تفسیر این آیه فرموده است: «موسی (ع) از شوقی که به پروردگار خود داشت، در چهل روز مدت رفتن و برگشتنش نخورد و نیاشامید و نخوابید و به چیزی از اینها متمایل نشد». هنگامی که به میدان شوق وارد شدی با نفس خویش و مقاصد خود در دنیا وداع کن و هر چه را که با آن انس داری، رها ساز، و از غیرمشوق خود محرم شو، و

میان مرگ و زندگی ندای «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» سر داده تا خداوند پاداش تو را بزرگ گرداند. مشتاق مانند غریقی است که هدفی جز رهایی خود ندارد و آنچه را غیر از این است، فراموش کرده است.

منبع:

راه روشن، ترجمه کتاب المحجبه البيضاء فی تهذيب الاحياء، فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، صفحه ۸۰.



گمراهی قوم یهود و گوساله پرستی آنها

یهود گمراه شدند و گمان کردند که قوم برگزیده خدا در روی زمین و فرزندان و دوستان خدا هستند و آخرت تنها از آن ایشان است و جز مدت معدودی، برابر با چهل روز گوساله پرستی، گرفتار آتش دوزخ نخواهند شد.

منبع:

ترجمه متأهل العرفان فی علوم القرآن، زرقانی، محمد بن عبدالعظیم، صفحه ۹۶۴.



میقات موسی (ع)

ما موسی را برای مکالمه و دادن الواحی که مشتمل بر اصول شریعت باشد، سی شبانه روز وعده گرفتیم و آن سی شب را به ده شب دیگر تمام کردیم. لذا، مدت معینه پروردگار و وقتی که برای این میعاد تخصیص یافته بود، به چهل شب تمام گشت و موسی موقع رفتن به هارون برادرش گفت: «تو در مدت غیاب من، جانشین من در قوم من باش و بر تو باد که خودت و عملت و حکمت و خواص نزدیک و اهل مشورت را اصلاح کنی و از زمره صالحین باشی و بر تو باشد که پیروی راهی که تبهکاران می

پیمایند نکنی، و رأی اهل فساد و ضلال را متابعت نمائی و در غیب من، به اصلاح حال آن مردم همت بگمار و دست تبهکاران را از آنها دور بدار و چون اغلب این قوم تغییر حال می دهند، و چیزهای تازه به هوای خویش می طلبند، تو راه حق را پیش بگیر و بدلخوان آنان توجه مدار.»

منبع:

انوار العرفان فی التفسیر القرآن، داورپناه، ابوالفضل، جلد ۱۵، صفحه ۶۱.



سرگردانی قوم یهود در بیابان ها

ابیات ۱۷۹۳-۱۷۹۶: موسی - تیه، گوشاله، موسی پیغمبر پس از آنکه بنی اسرائیل را از مصر خارج کرد، آنان را برای تصرف سرزمین کنعان که خداوند به آنان وعده کرده بود، به جنگ فرا خواند. اما بنی اسرائیل گفتند که: «در آنجا مردمی جبار سکونت دارند، تا آن مردم از آنجا بیرون نروند، ما به آن سرزمین نمی رویم. تو و پروردگارت بروید و با آنها نبرد کنید، ما در همین جا خواهیم ماند». از این رو، موسی گفت: «پروردگارا! من مالک نفس خویش و برادرم هستم». خداوند آن قوم را چهل سال در آن بیابان نگاه داشت.

منبع:

نثر و شرح مثنوی شریف، گولپینارلی، عبدالباقی، جلد ۳، صفحه ۶۶۱.



بوی دهان روزه دار

و در صحیح منقول است از آن حضرت صلوا الله علیه، که خداوند تبارک و تعالی وحی فرمود به حضرت موسی (علیه السلام) که: «ای موسی، چه چیز مانع است تو را از

مناجات من؟» و این وقتی بود که حضرت موسی مأمور شده بود به چهل روز روزه تا حق تعالی به او تورات کرامت فرماید. موسی گفت: «خداوندا، به سبب صوم، دهنم بدبو شده است و ترا اعظم از آن می دانیم که با دهن بدبو مناجات کنم». پس حق سبحانه و تعالی وحی کرد به او که: «یا موسی بوی دهن روزه دار نزد من از بوی مشک خوشبوتر است». و بعضی گفته اند که چون موسی را در طور گفتند که کفشت را بکن و رعایت کن حضرت چنین یافتند که...

منبع:

لوا مع صا حبقرانی (مشهور به شرح فقیه)، مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، جلد ۶، صفحه ۱۶۴.



موسی داخل قصر فرعون شد

مکر پروردگار عالمیان را غیر از تو کسی نبود که لاعلاج تر را بایست که به رسالت پیش فرعون بفرستد؟ موسی ازین سخن غضبناک شده در اول را به عصا گشود و سایر أبواب خود بخود مفتوح می شدند تا آنکه، موسی نزدیک بقصر فرعون ارتفاع آن هشتاد ذرع بود، رسید (و در بعضی روایات چهل ذرع مذکور است) و فرعون حکم کرد که موسی را بصر درآوردند و موسی بفرموده فرعون داخل قصر گردید و فرعون را ...

منبع:

تفسیر شریف لاهیجی، اشکوری، محمدبن علی، جلد ۲، صفحه ۷۱.



عصای موسی ماری شد و همه سحر و جادوها را بلعید

تذویر می کردند و به دروغ به خلق می نمودند و آن چهل خروار ریسمان و چوب بود و چون عصا همه آنها را فرو برد، روی به جماعت حاضر گذاشت. همه رو بگریز گذاشتند و از غایت ازدحام در حین فرار جمعی کثیر به هلاکت رسیدند، پس موسی علی نبینا و آله و علیه السلام آن را بگرفت و چون بدست موسی آمد، همان صورت عصایی بهم رسانید و بعد از این، سحره اقرار کردند که عمل موسی آمد همان صورت عصایی بهم رسانید و بعد از این، سحره اقرار کردند که عمل موسی سحر نبود، زیرا که اگر سحر می بود، بایستی آلات سحر ما باقی بماند.

منبع:

تفسیر شریف لاهیجی، اشکوری، محمدبن علی، جلد ۲، صفحه ۷۶.



سرگردانی قوم یهود در بیابان

در این موقع، موسی (ع) متوجه شد که جز برادرش هارون، یار و یاورى ندارد که بتواند به او اعتماد و اطمینان کند و این دو نفر توان یادگیری با نیروهای آماده و سربازان آزموده شهر را ندارند. لذا، رو به سوی آسمان کرد و گفت: «بار خدایا! من جز بر خود و برادرم مالک و فرمانروا نیستم، بین ما و فاسقین حکم کن و ما را از آنها جدا ساز.»

خدا وحی کرد که: «بنی اسرائیل را در این بیابان (تپه) رها کن. آنها باید در این بیابان چهل سال متحیر و سرگردان باشد، تا اینکه پیرانشان بمیرند، زمامدارانشان هلاک گردند و پس از آنان نسلی نو که عزت نفس دارد و بزرگوار است، بوجود آمد تا به جنگ و جهاد بپردازد و مرگ با عزت را بر زندگی در ذلت ترجیح دهند.»

منبع:

قصه های قرآنی با تاریخ انبیاء (از آدم تا رحلت خاتم)، ترجمه: جادالمولی، محمداحمد، صفحه ۲۰۸.



گوساله سامری در غیاب موسی (ع)

سامری: طبق روایات و تفاسیر، حضرت موسی چهل روز به کوه طور برای عبادت رفت و در غیاب او شخصی به نام سامری از غیبت او استفاده کرد، مجسمه گوساله یی را ساخت که چون در معرض باد قرار می گرفت، از آن صدایی شبیه به بانگ گاو بلند می شد و قوم موسی فریب او را خورده، گوساله را پرستیدند (آیات ۱۴۷ و ۱۴۸ سوره اعراف).

منبع:

شرح جلالی بر حافظ، جلالیان، عبدالحسین، جلد ۲، صفحه ۷۱۹.



میقات موسی (ع) و گوساله پرستی قوم یهود

«فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ»، پس بازگشت موسی بعد از اتمام اربعین و اخذ تورات بسوی قوم خود که هارون را در میان ایشان قائم مقام خود گردانیده بود. «غَضَبَانِ أَسِيفًا» (در حالتی که شدید الغضب و اندوهگین بود)، قال (گفت): یا قوم، (ای قوم من): أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ (آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما) وَعَدَاءُ حَسَنًا (وعده نیکویی) مقرون بصدق (که در مدت معین تورات به شما دهد و به جهت این مطلب، بطلب آن رفتیم) أَفَطَالَ عَلَيْكُمْ الْعَهْدَ (آیا دراز شدن بر شما زمان معارفتم من و من چهل روز به شما وعده کرده بودم و به همان وعده باز آمدم) و أم أردتُم أن يحلَّ عَلَیْكُمْ غَضَبٌ مِن رَّبِّكُمْ (یا اراده کردید از عبادت عجل اینکه واجب گردد بر شما عقوبتی از جانب پروردگار شما) فَأَخْلَفْتُم مَوْعِدِي (پس خلاف کردید و عده ای که با من کرده بودید از ثبات قدم بر ایمان و

اطاعت هارون تا رجوع من از میقات).

منبع:

تفسیر شریف لاهیجی، اشکوری، محمدبن علی، جلد ۳، صفحه ۷۸.



سرگردانی قوم یهود در بیابان

ترجمه: دو نفر از مردانی که از خدا می ترسیدند و خداوند به آنها نعمت (عقل و ایمان و شهامت) داده بود، گفتند: شما وارد دروازه شهر آنان شوید، هنگامی که وارد شدید، پیروز خواهید شد. و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید». بنی اسرائیل گفتند: «ای موسی؛ تا آنها در آن جا هستند، ما هرگز وارد آن نخواهیم شد. تو و پروردگارت بروید و (با آنان) جنگ کنید. ما همین جا نشسته ایم!!» (موسی) گفت: «پروردگارا؛ من تنها اختیار خود و برادرم را دارم؛ میان من و این جمعیت گنهکار جدایی بیفکن». خداوند (به موسی) فرمود: «این سرزمین تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)، پیوسته در زمین سرگردان خواهند بود و در باره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار غمگین مباش».

منبع:

ترجمه تفسیر جوامع الجامع، طبرسی، فضل بن حسن، جلد ۲، صفحه ۵۸.



گوساله سامری در غیاب موسی (ع)

سامری: نام یک نفر از بنی اسرائیل که در غیاب چهل روزه موسی که به کوه طور رفته بود، گوساله ایی زرین ساخت و در درون آن لوله هایی گذاشته بود که با نسیم ملایم صدایی گاو می کرد و قومی به او گرویدند.

منبع:

شرح جلالی بر حافظ، جلالیان، عبدالحسین، جلد ۲، صفحه ۱۱۵۵.



سرگردانی قوم یهود در بیابان

[سوره المائده، آیه شماره ۲۶]:

«قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»

ترجمه: (خداوند (به موسی) فرمود: «این سرزمین تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)، پیوسته در زمین سرگردان خواهند بود و در باره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار غمگین مباش.»

تجزیه:

«فاء»: فصیحه

«قال»: فعل ماضی

«محرمه»: اسم مفعول از باب تفعیل

«ان»: حرف تأکید ناسخ

«هم»: ضمیر غایب

«علی»: حرف جز

«اربعین»: اسم عدد و از عقود ثمانیه

منبع:

کلمه الله العلیا، ترجمه، تجزیه و تحلیل و ترکیب کلام الله، آدینه وند لرستانی، محمدرضا، صفحه ۸۰.

سرگردانی قوم یهود

«يَقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَسِرِينَ»

(ای قوم من، به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته است، درآیید و به عقب بازنگردید که زیانکار خواهید شد.)

این آیه و چند آیه پس از آن به این ماجرا اشاره دارد که پس از گذشتن بنی اسرائیل از رود نیل، خداوند آنان را مأمور کرد که به سرزمین مقدس وارد شوند. حضرت موسی (ع) دوازده تن را برگزید تا اخباری از سرزمین مقدس و ساکنان آن بیاورند. اینان پس از بازگشت، از مردمی که نیرومند و قوی خبر دادند. موسی از آنان خواست تا این خبر را فاش نکنند. اما جز دو تن اطاعت نکردند. بنی اسرائیل پس از شنیدن خبر، از ورود به سرزمین مقدس و جنگ با ساکنان نیرومند آن امتناع ورزیدند. خداوند نیز آنان را به دلیل این نافرمانی به مدت چهل سال به ماندن در بیابان کیفر داد. همه کسانی که سرپیچی کردند، در بیابان مردند و فرزندان آنان با فرماندهی حضرت موسی در حالی که یوشع بی نون پیشاپیش وی حرکت می کرد، آن سرزمین را فتح کردند. برخی گفته اند که، آن سرزمین را فتح کردند، برخی گفته اند که موسی و هارون (ع) در بیابان رحلت کردند و سرزمین به دست یوشع بن نون فتح شد.

منبع:

جهاد در آیین قرآن، تقی زاده اکبری، علی، جلد ۱، صفحه ۲۵۵.



گوساله پرستی قوم یهود

آفات ایمان: بعداً، در بحث راجع به «دین» از نگاه قرآن، مطالب مبسوط تری را تحت عنوان «آفات دین» بیان خواهیم کرد. اما در اینجا چند نکته نسبتاً مهمتر را در زمینه اینکه ایمان و اعتقاد دینی نیز مثل هر پدیده درونی و یا بیرونی حیات می تواند دستخوش آفت و در نتیجه فساد و تباهی شود، عنوان می کنیم و ادامه بحث را به مبحث «آفات دین» واگذار می نماییم.

غفلت: شاید بتوان گفت مهم ترین آفت ایمان آدمی، غفلت از خدا و آیات الهی است. به طوری که، انسان در اثر کمی غفلت، به سادگی از مسیر خداپرستی به گوساله پرستی منحرف می شود. در سوره بقره آیه ۵۱ می خوانیم: «وَإِذَا وَعَدْنَا مُوسَىٰ، أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ» یعنی چهل روز که حضرت موسی (ع) نزد خدا می رود، قوم بنی اسرائیل به جای یهوه شروع به پرستیدن گوساله سامری می کند.

منبع:

درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، گواهی، عبدالرحیم، جلد ۱، صفحه ۶۹.



سرگردانی یهود به دلیل نافرمانی

قرآن می فرماید: که قوم یهود، به جهت زیاده خواهی از خدا و نافرمانی، چهل سال در به دری و سرگردانی کشیدند. داستان این زیاده طلبی و نافرمانی و مجازات شدن، به چهل سال بیابانگردی را در سوره مائده، آیات ۲۰ تا ۲۶ مشاهده می کنیم.

منبع:

درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، گواهی، عبدالرحیم، صفحه ۲۵

سرگردانی بنی اسرائیل

در آثار آمده، حق تعالی موسی را وعده فرموده بود که بیت المقدس و حوالی آن را به بنی اسرائیل ارزانی فرماید و این موضع در آن وقت مساکن جباریه، آنها را عمالقه می گفتند، مردمان بلند و توانا بودند از بقیه عاد. چون لشکر فرعون غرق شدند و بنی اسرائیل به مصر داخل شدند، فرمان الهی رسید به ارض مقدسه: به ارض مقدسه روید که هزار شهر و هر شهری هزار باغ است و جهاد کنید با جبّاران». پس حضرت موسی دوازده نقیب از لشکر اختیار نمود، هر یک کافل مهمات سبطی باشد با قوم خود. نزدیک اریحا رفتند، بعد اقوام خود را گذاشته و به تجسس عمالقه مشغول شدند. یکی از جبّاران را ملاقات کردند. او را عوج یا عاج بن عناق گفتندی، طول او سه هزار و سیصد و سه گز بود و باقی عادیان نیز قریب او بودند. منقول است روزی از صحرا می آمد و پشته هیزمی که لایق قوت او بود، برداشته بود. این دوازده نقیب به او رسید. چون آنها را دید، از کوتاهی قامت ایشان تعجب نمود، با آنکه قدر هر یک چهل گز بالا بود. پس ایشان را در دامن نهاد و دامن را به کمر زد و نزد مادر آورد و بریخت و به تعجب گفت: «اینها آمده اند با ما قتال کنند و شهر ما را متصرف شوند، اذن می دهی پا بر آنها مالم و ایشان را پایمال کنم؟» مادرش گفت: «روا نیست، رها کن تا بروند و خبر ما را به قوم خود برسانند و دیگر هیچ کدام جرأت نکنند که پیش آیند». عوج آنها را وا گذاشت. به بازار آمدند، هر خوشه انگور را کمتر از پنج نفر نتوانستی برداشت، و پنج نفر در پوست انارشان می گنجید. حضرت موسی، بنی اسرائیل را ترغیب نمود بر قتل جباریه، ایشان با وجود این معجزه باهره (غرق موسی و فرعونیان در دریا) فرمان نبرده، مضطرب شدند و در عهد، خیانت ورزیدند و گفتند: «با امثال این جبّاران چگونه جنگ کنیم».

منبع:

رویگرداین قوم یهود از جنگ و سرگردانی آنها

(بنی اسرائیل) گفتند: «ای موسی؛ تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید. ما همین جا نشسته ایم». موسی گفت: «پروردگارا! من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم. میان ما و این جمعیت گنهکار، جدایی بیفکن». خداوند (به موسی) فرمود: «این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)؛ پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان خواهند بود، و در باره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار، غمگین مباش. و داستان دو فرزند آدم را بحق بر آنها بخوان، هنگامی که هر کدام کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند، اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. (برادری که عملش مردود شده بود به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت». (برادر دیگر) گفت: «من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزکاران می پذیرد. اگر تو برای کشتن من دست دراز کنی، من هرگز به قتل تو دست نمی گشایم. چون از پروردگار جهانیان می ترسم. من می خواهم تو با گناه من و خودت (از این عمل) بازگردی (و بار هر دو گناه را به دوش کشی) و از دوزخیان گردی، و همین است سزای ستمکاران». نفس سرکش کم کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد، (سرانجام) او را کشت و از زیانکاران شد. سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین جستجو (و کند و کاو) می کرد، تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: «وای بر من؛ آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟ و سرانجام (از ترس رسوایی و بر اثر فشار وجدان از کار خود) پشیمان شد».

منبع:

ترجمه قرآن، مکارم شیرازی، ناصر، صفحه ۱۱۳.



میقات موسی (ع) و گوساله پرستی قوم یهود

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دریا را برای شما شکافتیم؛ و شما را نجات دادیم، و فرعونیان را غرق ساختیم، در حالی که شما تماشا می کردید. (به یاد آورید)، هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم، (و او، برای گرفتن فرمان های الهی، به میعادگاه آمد). سپس شما گوساله را بعد از او (معبود خود) انتخاب نمودید، در حالی که ستمکار بودید. سپس شما را بعد از آن بخشیدیم. شاید شکر (این نعمت را) بجا آورید. و (نیز به خاطر آورید) هنگامی را که به موسی کتاب و وسیله تشخیص (حق از باطل) را دادیم، تا هدایت شوید. و زمانی که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من، شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید، پس توبه کنید، و به سوی خالق خود بازگردی. و خود را (یکدیگر را) به قتل برسانید. این کار، برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است. سپس خداوند توبه شما را پذیرفت، زیرا که او توبه پذیر و رحیم است. و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی؛ ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر اینکه خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم. پس صاعقه شما را گرفت، در حالی که تماشا می کردید. سپس شما را پس از مرگتان حیات بخشیدیم، شاید شکر (نعمت او را بجا آورید).

منبع:

ترجمه قرآن (مکارم)، مکارم شیرازی، ناصر، صفحه ۸.



میقات موسی (ع) و گوساله پرستی قوم یهود

و (یاد کنید) هنگامی که شما را از (چنگ) فرعونیان نجات دادیم، در حالی که شما را (با شکنجه و) عذاب بدی می آزرده، و زنان شما را زنده نگاه می داشتند و در این (ها) آزمایش بزرگی از (جانب) پروردگاتان بود. و (یاد کنید) هنگامی را که با (ورود) شما دریا را شکافتیم و شما را نجات دادیم. و در حالی که شما می نگرستید، فرعونیان را غرق ساختیم. و (یاد کنید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاشتیم، تا شاید شما سپاسگزاری کنید. و (یاد کنید) هنگامی را که به موسی کتاب و جداکننده (حق از باطل) دادیم؛ باشد که شما راهنمایی شوید. و (یاد کنید) هنگامی را که موسی به مردمش گفت: «ای قوم (من)، در حقیقت شما با انتخاب گوساله (پرستی) آنان، به خویشان ستم کردید؛ پس به سوی آفریدگار باز گردید. و (منحرفان) خودتان را بکشید (که) این (کار) در نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است. پس (خدا) توبه شما را پذیرفت، (چرا) که فقط او بسیار توبه پذیر (و) مهرورز است.

منبع:

محمدعلی، ترجمه قرآن، رضایی اصفهانی، محمدعلی، صفحه ۸.



موسی کلیم الله

موسی: پیغمبر بنی اسرائیل که در زمان فرعون بدنیا آمد. در چهل سالگی بر رسالت از طرف خدا برگزیده شد. لقب او کلیم الله است.

طور: کوهی است در شبه جزیره سینا که موسی در آن به مناجات پرداخت و نور الهی را مشاهده کرد. سرپرده احمد از نور بود: اشاره است به حدیث «اول ما خلق الله نوری».

منبع:

متن علمی و انتقادی، از روی قدیمی ترین ... نظامی، الیاس بن یوسف، صفحه ۱۳۸



سرگردانی قوم یهود

«قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»

نافرمانی تقدیر را عوض کرده و چهل سال به تأخیر انداخت. مراد از «الأرض» صحرای سینا است. فرمان «لا تأس» برای آن است که اینها خود بدبختی را به جان می خرنند، دیگر غصه آنها را خوردن معنی ندارد.

نکته ها

تغییر سرنوشت: اشتباه و نافرمانی سرنوشت را عوض کرده و چهل سال به تأخیر انداخت، آیات قرآن شاهد صدق این مدعا است. اعمال و فعالیت های فرد و سرنوشت ساز است. همچنین است اعمال ملّت ها. در روز قیامت گفته خواهد شد که سرنوشت اهل بهشت بودن را خود به وجود آوردید و « وَ نُودُوا أَنْ تَتَّكُمُ الْجَنَّةُ أَوْ رِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ » (سوره اعراف، آیه ۴۳) و نیز درباره جهنم «هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نمل / آیه ۹۰). در باره هلاکت ملّت ها آمده: « وَ مَا ظَلَمْنَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ » (زخرف / آیه ۷۶).

منبع:

تفسیر احسن الحدیث، قرشی بنایی، علی اکبر، جلد ۳، صفحه ۵۰.



میقات موسی (ع)

إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا. (مریم، آیه ۵۱)

(بی تردید او انسانی خالص شده و فرستاده ای پیامبر بود. و خدا با وی راز گفت و او را به خود نزدیک ساخت). «وَ نَدَيْنَهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا». (مریم، آیه ۵۲)

و او را از جانب راست طور ندا کردیم، و او را در حالی که با وی راز گفتیم، مقرب خود قرار دادیم.

چنین کسی با چنین مقام و موقعیتی هرگز درخواست رؤیت حسی نکرده، بلکه درخواست علم حصولی نیز نکرده است. چون از مناظرات او با فرعون به دست می آید که حضرت موسی (ع) براهین حصولی را می دانست و به معارف الهی احاطه علمی داشت. پس دیگر صحیح نیست که گفته شود آن حضرت با پشت سر گذاشتن همه این علوم و معجزات و میقات چهل شبهه، از خدای سبحان مسئلت کند تا خود را با علم حصولی به او نشان دهد.

منبع:

پرسش ها و پاسخ ها، انصاریان، حسین، جلد ۱، صفحه ۹۱.



جدایی موسی و هارون از قوم و سرگردانی قوم بنی اسرائیل

گفت: پروردگارا! بدرستی که من نتوانم مگر تن خود را و برادر خودم را، پس جدا کن میان ما و میان گروه بیرون آیندگان. گفت: پس آن بازداشته شده است، بر ایشان چهل سال سرگشته می گردند در زمین، پس اندوهگین مشو بر گروه بیرون آیندگان از فرمان. و بخوان بر ایشان خبر دو پسر آدم به راستی، چون که قربان کردند قربانی را، پس

پذیرفته شد از یکی ایشان دو و نه پذیرفته شد از دیگر. هر آینه کشت. گفت: بدرستی که پذیرفت خدای از پرهیزگاران.

منبع:

ترجمه قرآنی (رواقی)، مترجم: ناشناخته (قرن دهم)، صفحه ۹۳.



میقات موسی (ع) و گوساله پرستی قوم یهود

بنی اسرائیل انسان های بهانه جویی بودند. در بیابان، مائده آسمانی برایشان نازل می گشت و مرغ و پلو در اختیارشان قرار داده می شد، باز قانع نمی شدند و اطراف حضرت موسی (ع) را گرفته و می گفتند: «ما سیر و پیاز می خواهیم، ما سبزی و ... می خواهیم». آنان به قدری سست عنصر بودند که وقتی چهل روز از پیامبرشان دور ماندند، گوساله پرست شدند و اعتقاد خود را از دست دادند. لشکر حضرت موسی چنین انسان هایی بودند! آیا می توان گفت که این ها موسی را در مقابل فرعون به پیروزی رساندند؟ مسلماً چنین نیست. بلکه تنها عاملی که موسی را بر دشمن برتری داد و پیروز نمود و تمام گردنه ها را پشت سر گذاشت و تمام موانع و سدها را شکست، همانا توکلش به خدا بود.

منبع:

اخلاق در اداره، مظاهری، حسین، جلد ۱، صفحه ۶۵.



میقات موسی (ع)

(واذ واعدنا موسیٰ اربعین لیلَه) خدای تعالی داستان میقات چهل روزه موسی را در سوره اعراف نقل کرده. آنجا که می فرماید: «وَ وَاَعْدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اٰتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَيَتَمُّ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً» (ما به موسی سی شب قرار گذاشتیم و سپس آن را چهل شب تمام کردیم). پس اگر در آیه مورد بحث از همان اول می فرماید چهل شب قرار گذاشتیم، یا از باب تغلیب است و یا آنکه ده روزه آخری به یک قراردادی دیگر قرار شده؛ پس، چهل شب مجموع دو قرارداد است، هم چنان که روایات نیز این را می گوید.

منبع:

ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمد حسین، جلد ۱، صفحه ۲۸۶



سرگردانی قوم یهود

قراردادهای دول اسلامی مهم ترین چیزی است که احترام آن بر مسلمانان واجب است. قرآن داستان های تاریخی از قوم بنی اسرائیل نقل می کند تا برای ما به خوبی روشن سازد که ؟؟؟؟؟؟؟؟؟ قراردادها و عهد و پیمان ها تا چه حد اهمیت دارد و نقض آنها چگونه موجب بدبختی و لعنت می شود (آیات، سوره ۱۲ تا ۱۴). سپس ما را از ضرورت کاربرد شریعت آسمانی در جامعه آگاه می سازد، که این شرایع نور و هدایت خواه در تورات بر موسی نازل شده باشند و خواه بر عیسی در انجیل یا بر محمد (ص) در قرآن مجید؛ کتابی که تورات و انجیل را نسخ کرده است.

آن گاه قرآن کریم به بیان شمه ای از تاریخ بنی اسرائیل می پردازد که چگونه مخالفتشان با اوامر پروردگار، سبب شد که چهل سال در بیابان سرگردان بمانند.

منبع:

تفسیر هدایت، مدرسی، محمدتقی، جلد ۲، صفحه ۲۴۷.



چهل سال قطع باران به دلیل نافرمانی بنی اسرائیل

معاملات ربوی را روح دادند. کنیسه‌ها (عبادتگاه‌ها) را بنا نهاده ولی زکات نپرداختند. موسی (ع) عرض کرد: «خداوند، آیا رحمت خود را بر ایشان لطف کن که ایشان عاری از اندیشه و بی‌خردند». پس خداوند به موسی وحی فرستاد که: «من پس از چهل روز دیگر بر آنان باران می‌فرستم و ایشان را می‌آزمایم». ولی این مطلب را پراکنده ساختند و افشا نمودند. در نتیجه، بارش باران به مدت چهل سال از ایشان دریغ شد. و شما (ای جماعت شیعه) فرجتان نزدیک شده بود و شما آن را در محافل‌تان منتشر ساختید (از این رو نیز به عقب افتاد).

منبع:

ترجمه کتاب شریف نجف العقول عن آل الرسول (ع)، ابن شعبه، حسن بن علی، صفحه ۲۹۴.



چهل سال قطع باران از بنی اسرائیل

آن چنان بنی اسرائیل دچار قحطی شدند که، رمه‌ها و فرزندان‌شان هلاک گشتند. در این هنگام، موسی بن عمران (ع) به درگاه خدا دعا کرد و خداوند فرمود: «ای موسی، آنان به طور علنی زنان کردند و ربا خوردند و به آيادی کنیسه‌ها همّت گماشتند ولی زکات خود را نپرداختند». پس خداوند به موسی (ع) وحی کرد که: «من پس از چهل روز برای آنان باران خواهم فرستاد و آنان را امتحان خواهم کرد». بنی اسرائیل این موضوع را به گوش همگان رساندند و راز الهی را فاش ساختند. لذا، خداوند چهل سال باران را بر آنان بند آورد. کار شما نیز نزدیک شده بود، ولی شما آن را در محافل خود فاش ساختید. (لذا

به تأخیر افتاد) ای ابو جعفر (منظورش همان پسر نعمان است) شما را به مردم دیگر چه کار؟ دست از مردم بدارید و هیچ کس را به این امر فرا نخوانید (ظاهراً این حکم در دوران تقبه شیعیان باشد).

منبع:

تحف العقول، ابن شعبه، حسن بن علی، صفحه ۵۵۷.



فرعون خود را برتر از خداوند معرفی می کند

و گفتن قوم فرعون چون فرو ماندند: «ای جادوگر! بخوان ما را برای (ما) پروردگارت را، به آنچه عهد کرد نزد تو از رسالت و قربت، بدرستی که ما هر آینه راه یافتگانیم، اگر این عذاب از ما باز برد».

پس چون بازبردیم، از ایشان عذاب را ناگاه در حال ایشان عهده می شکنند.

و آواز داد فرعون در گروه خود، گفت: «ای گروه من! نیست مرا پادشاهی مصر چهل فرسنگ در چهل فرسنگ و این جوی ها می رود از زیر تخت من! پس هیچ نمی بینید عظمت و پادشاهی من» یا بل که بهترم از این که او خواست و ضعیف و نتواند نزدیک نیست که سخن هویدا کند».

منبع:

ترجمه قرآن (رواقی)، مترجم: ناشناخته (قرن دهم)، صفحه ۴۲۲.



سرگردانی قوم یهود

بنی اسرائیل گفتند: «ای موسی؛ تا (آنان) در آن (سرزمین) هستند، ما هرگز وارد آن

(جا) نخواهیم شد. پس تو و پروردگارت بروید و (با آنان) پیکار کنید. که ما همین جا فرونشستگانیم». (موسی) گفت: «پروردگارا، در واقع من جز صاحب اختیار خودم و برادرم نیستم. پس بین ما و بین گروه نافرمانبردار جدایی افکن». (خدا به موسی) فرمود: «پس در حقیقت آن (سرزمین) چهل سال بر آنان ممنوع است. در حالی که در (بیابان آن سرزمین) سرگردان خواهند بود، پس، بر (سرنوشت) گروه نافرمانبردار تأسف مخور». و (ای پیامبر) خبر بزرگ حقیقی دو فرزند آدم را بر آنان بخوان (و پیروی کن). هنگامی که آن دو (کاری) نزدیک کننده برای نزدیکی (به پروردگار) انجام دادند، و از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. (قابیل) گفت: «حتماً تو را خواهم کشت». (هابیل) گفت: «خدا، تنها از پارسایان خود نگهداری می پذیرد. اگر دستت را به سوی من دراز کن تا مرا بکشی، من دستانم را به سوی تو دراز نمی کنم تا تو را بکشم (چرا) که من از (عذاب) خدا، که پروردگار جهانیان است، می ترسم. و (چرا) که من می خواهم تا با (بار) گناه من و گناه خودت (به سوی خدا) بازگردی و از اهل آتش شوی و این کیفر ستمکاران است.

منبع:

ترجمه قرآنی (رضایی)، رضایی اصفهانی، محمدعلی، صفحه ۱۱۲.



میعاد پروردگار:

سروه اعراف، آیه ۱۴۲: «تا میعاد پروردگارش در چهل شب تکمیل گردد».

منبع:

کاشف الاسرار (طالقانی)، طالقانی، نظرعلی، جلد ۲، صفحه ۳۴۵



قارون و قوم موسی

گفته اند، روز شنبه ای، قارون با آرایش تمام و لباس تجمل بر قاطر سفیدی که زین طلا داشت، سوار شد و قطیفه ارغوانی رنگ بدوش افکند و با چهار هزار سوار با همین تجملات بر بنی اسرائیل گذشت. و آنها بعد از مشاهده این جلال و جمال، دو دسته شدند. یک دسته که اهل دنیا بودند، اگر چه حسود نبودند، از روی غبطه گفتند: «ای کاش ما هم چنین مال و ثروت و شوکتی داشتیم که قارون دارد. انصافاً او بهره و نصیب وافر از دنیا برده» و دسته دیگر، که اهل علم و دانش و طالب آخرت و از خواص اصحاب حضرت موسی (ع) بودند، گفتند: «وای بر شما، این چه آرزویی است؟ ثوابت و پاداش الهی که بهشت عنبر سرشت است، بهتر است برای اهل ایمان و اعمال شایسته و آن واصل نمی شود مگر به کسانی که صبر نمودند و بر زحمات دنیا و عبادت خدا و ترک معصیت او» و بنابراین، ضمیر در یلقیها راجع است به جنت که مراد از ثواب است و قویاً محتمل است راجع باشد بکلمه که مستفاد از کلام علماء است. یعنی این گفتار پسندیده القاء نمی شود از خداوند، مگر بر کسانی که در دنیا صبر و شکیبایی را شعار خود نموده اند و از زخارف آن چشم پوشیده اند. و چون حضرت موسی با بنی اسرائیل از مصر بیرون آمدند و چهل سال در وادی تیه سرگردان بودند و مأمور به توبه شدند، قارون از توبه استنکاف نمود و حضرت موسی او را تهدید بعذاب فرموده و او استهزاء کرد. حضرت مغمول شد و ...

منبع:

روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، ثقفی تهرانی، محمد، جلد ۴، صفحه ۳۰۸.



داستان موسی (ع)

که بینداز او را در تابوت صندوق یعنی اندر تابوت کن، پس بیند از او را در دریا یعنی رود نیل، پس بیندازد او را، دریا به کناره، تابگیرد او را دشمنی که مراست و دشمنی که او راست. و افکندم بر تو دوستی از من و تا پرورده شوی بر دیدار من نظرگاه من.

آنگاه می رفت، خواهر تو مریم نام، پس می گفت: «هیچ راه نمایم شما را بر کسی که پذیرد او را. پس بازگردانیدیم ترا به سوی مادر تو تا روشن شود به تو چشم او و اندوهگین نشود و آنگاه که کشتی تنی را، پس برهانیدیم ترا از آن اندوه، یعنی قصاص و آزمودیم ترا آزمودنی پس درنگ کردی سال ها در میان مردمان مدین پس بیامدی بر اندازه، یعنی بر سر چهل سال از مولود او ای موسی.

منبع:

ترجمه قرآن (رواقی)، مترجم ناشناخته (قرن هفتم)، صفحه ۲۶۶.



غیبت موسی و حرکت ارتجاعی قوم یهود

همین قوم وقتی پیامبرشان برای مدت سی روز به میقات می رود و به امر خدا مدت میقات به چهل روز افزایش می یابد، در همان ده روز، غیبت موسی علیه السلام، گرفتار یک حرکت ارتجاعی می شوند و عوامل ارتجاع آنان را به جاهلیت و بت پرستی باز می گردانند.

منبع:

نهضت و انقلاب اسلامی، جمعی از نویسندگان، صفحه ۵۲.



داستان رفتن موسی به کوه سینا و میقات او

در این آیات، سخن از سه نقطه به میان آمده: سینا، سعیر، فاران.

«سینا» بر اساس متون رسمی یهودی و مسیحی مکانی است که خداوند شریعت و قوانین و فرامین خود را به حضرت موسی نازل فرموده است. در سفر لاویان از تورات باب هفتم، آیات ۲۷ و ۲۸ می خوانیم: «این است قانون قربانی سوختنی و ... که خداوند به موسی در کوه سینا امر فرمود است»

و نیز در همین سفر، باب بیست و پنجم آیه اول می خوانیم: «و خداوند موسی را در کوه سینا خطاب کرده و گفت». سفر خروج یعنی سومین کتاب از اسفار خمسه تورات، داستان رفتن موسی به کوه سینا و میقات او را خداوند، چنین بیان می کنند: «و چون موسی بر فراز کوه برآمد، ابر کوه را گرفت و شش روز ابر آن را پوشانید و روز هفتمین، موسی را از میان ابر نداد داد ... و موسی چهل روز و چهل شب در کوه ماند».

منبع:

تفسیر حکیم، انصاریان، حسین، جلد ۹، صفحه ۸۸.



میقات موسی (ع)

« وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِّمَّقَاتٍ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ » (و با موسی سی شب وعده نهادیم و آن را به ده شب دیگر کامل کردیم. بدین ترتیب، میعاد پروردگارش [با او] به چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش و در اصلاح آنان بکوش و راه تباهکاران را پیروی مکن»

منبع:

سیره نبودی «منطق عملی»، دلشاد تهرانی، مصطفی، جلد ۳، صفحه ۳۰۱.



آب از کوه ها بالاتر رفته

«وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئِهِ» و اهل دین های مؤتفکه بر اهل خود که قرای اهل لوط بودند بخطا و گناهکاری و شرک که اعظم خطایاست. "فَمَصَّوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ" (پس عاصی شدند هر قومی بفرستاده پروردگار خود «فَأَخَذَهُمْ أَخَذَهُمْ رَأِيَةً» (پس بگرفت خدا ایشان را گرفتنی که افزون بوده) در «شده» برگرفتن برگرفتن امم دیگر بجهت زیادتى قبح اعمال ایشان «إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ» (بدرستی که ما آن هنگام که طغیان کرد آب و از حد درگذشت تا بحدی که از بالای کوه های چهل کز متجاوز شد). «حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ» (برداشتیم شما را یعنی پدران شما را که شما در اصلاص ایشان بودید در کشتی رونده بر آب) «لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً» (با بگردانیم آن فعل را که نجات مؤمنانست و اغراق ...)

منبع:

تفسیر خلاصه منهج الصادقین، مسمی به خلاصه المنهج، کاشانی، فتح الله بن شکراله، جلد ۶، صفحه ۲۱۱.



ادعای دروغ یهودیان

«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَتٍ» (این بدانست که ایشان گفتند؟؟؟ ما را دوزخ با سوز، مگر روزهای شمرده به قدر عمر ما هفت روز، یا چهل روز «وَوَعَّرَهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (و فریفت ایشان، و از دین حق بدین باطل بکیفت شان) این دروغ ایشان که بر خدای تعالی می گفتند، و به راه باطل می رفتند.

منبع:

تفسیر نسفی، نسفی، عمر بن محمد، جلد ۱، صفحه ۱۰۵.



میقات موسی و گوساله پرستی قوم یهود

« و إِذَا نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (۴۹) وَ إِذَا فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَ أَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۵۰) وَ إِذْ وَ أَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظَالِمُونَ (۵۱) ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵۲)»

(۴۹) و به یاد آرید آن گاه که شما را از ستم فرعونیان رهایی بخشیدیم. همان ها که سخت ترین عذاب را به شما روا می داشتند. پسران شما را سر می بریدند و زنان شما را زنده می داشتند. در همه این مصائب آزمایش بزرگی بود از جانب پروردگار شما).

(۵۰) بیاد آرید: آن گاه که دریا را بوسیله شما شکافتیم، پس شما را رهانده و فرعونیان را غرق نمودیم. در حالی که شما می دیدید.

(۵۱) بیاد آرید آن گاه که با موسی چهل شب را میعاد نهادیم. سپس در نبود او، شما گوساله را بپرستش گرفتید، در حالی که شما ستم پیشگان بودید.

منبع:

پرتوی از قرآن، طالقانی، محمود، جلد ۱، صفحه ۱۵۱.



تحریم قوم یهود

«قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (خدای تعالی گفت: این زمین مقدسه باز داشته شده چهل سال از ایشان). «يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ» (می روند در این بیابان، دوازده سبط در شش فرسنگ عاجز و حیران) «فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (غم مخور به آنچه رسید به فاسقان).

منبع:

تفسیر نسفی، نسفی، عمر بن محمد، جلد ۱، صفحه ۲۱۲.



تمدید میقات موسی (ع)

«وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً» [و] وعده دادیم موسی را سی شبانروز، مر آمدن طور را و فرستادن کتاب مسطور را؛ «وَأَتَمَمْنَاهَا بَعَشْرًا» و تمام کردیم به ده شبانه روز دیگر از مدت «فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» و تمام شد به چهل شبانروز مدت آن مواعدت. «قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ» و گفت موسی مر بر در خویش هارون را به وقت رفتن «اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي» خلیفه من باشد در قوم من.

منبع:

تفسیر نسفی، نسفی، عمر بن محمد، جلد ۱، صفحه ۳۱۷.



میقات موسی و گوساله پرستی مردم یهود

وقتی ماجرای آن قتل پیش می آید و قاتل شناخته می شود، و خداوند فرمان می دهد که یک گاو ماده بکشند، و قسمتی از بدن او را به جسد مقتول بزنند تا داستان فاش گردد، با کمال بی شرمی خطاب به حضرت موسی می گویند: «آیا ما را مسخره کرده ای؟» (آیه ۶۷، سوره بقره)

وقتی حضرت موسی، چهل روز از آنان دور می شود و به کوه طور برای مناجات با خداوند می رود، تحت تأثیر تبلیغات ماهرانۀ سامری قرار می گیرند و ... «و تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» (حضرت موسی به این اصل سازنده و حیاتبخش که ارمغان وحی آسمان است، عمل می کند).

منبع:

سیمای صابران در قرآن، ترجمه الصبر فی القرآن، قرضاوی، یوسف، صفحه ۱۴۸.



میقات موسی (ع) و گوساله پرستی قوم یهود

و بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) را از دریا عبور دادیم، (در راه خود) به گروهی رسیدند که مجاور بت هایشان (در حال پرستش) بودند. (در این هنگام بنی اسرائیل) به موسی گفتند: (تو هم) برای ما معبودی قرار ده، همان گونه که برای آنان معبودی است. (موسی) گفت: «در واقع شما گروهی هستید که نادانی می کنید». (موسی گفت:) در حقیقت، آنچه آنان در آنند، نابود است و آنچه همواره انجام می دادند، باطل است. (موسی گفت:) «آیا غیر از خدا، معبودی برای شما بجویم؟ و حال آنکه او شما را بر جهانیان (روزگارتان) برتری داد». و (یاد کن) آنگاه که شما را از (چنگ) فرعونیان نجات بخشیدیم، در حالی که شما را با شکنجه و اعداب بدی می آزدند. پسران شما را می

کشتند و زنانان را زنده نگه می داشتند؛ و در این (ها) آزمایش بزرگی از (جانب) پروردگارتان بود. و با موسی سی شب وعده گذاشتیم، و آن را با ده شب تکمیل نمودیم، پس میعادگاه پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد. و (در هنگام رفتن) موسی به برادش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باشد؛ و (امورشان را اصلاح کن و راه فسادگران را پیروی مکن).

منبع:

ترجمه قرآن (رضایی)، رضایی اصفهانی، محمدعلی، صفحه ۱۶۷.



شک در اصول دین

عابدینی در بنی اسرائیل چهل سال کوشش کرد. بعد دعا کرد و قبول نشد. خداوند به عیسی وحی کرد که: «بنده ام از دری وارد شده که نباید وارد شود. او در حالی مرا می خواند که در تو شک دارد. اگر آنقدر مرا می خواند که نفسش قطع می شد و انگشتانش متلاش می شد، من خواسته او را قبول نمی کردم». (امام صادق و امام باقر، ح ۹)

مقصود از شک، همان شک در احکام اصلی و بنیادی اسلام است. مانند توحید، نبوت، ولایت، معاد و غیر اینها، در هر یک از اینها شک کند، لازم است به ادله قطعی و براهین عقلی و نقلی مراجعه کند تا شکش برطرف شود. و بطور حتم از این رهگذر شک او زایل گردد. در اصول اعتقادی که درهای علم باز است، حکم به کفر این نوع شک ها شده است، اما شکی که صاحب آن نمی توانند بعلمی از قبیل دوری از مراکز علمی و یا جهات دیگر از خود دور کند. این نوع شک سبب کفر نمی شود و مراد امام کاظم از شکی که به دنبالش یقین نیاید، همین است. یعنی دلیل های محکم که موجب یقین باشد بدست

نیاید.

منبع:

راه ما (در: اصول، فروغ و اخلاق اسلامی)، مشکینی اردبیلی، علی، جلد ۱، صفحه ۱۲۵.



داستان میقات رفتن موسی (ع)

مفسرین گفته اند، موسی (ع) به بنی اسرائیل وعده داده بود که خدای تعالی دشمن شما را هلاک می گرداند و از نزد خود کتابی عطاء می کند که بیان می کند آنچه را که محتاج با و می باشید. وقتی فرعون هلاک گردید، موسی از پروردگارش درخواست کتاب نمود. و به او امر شد که سی روز روزه بگیرد و آن ماه ذی القعدة بود و ده روز بوی اضافه نمود و در آن مدت ده روز، تورات را نازل گردانید و نیز با او تکلم نمود. و میقات موسی به این چهل روز خاتمه پیدا کرد. « وَ قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلَفِنِي فِي قَوْمِي » موسی (ع) در موقع بیرون رفتن به میقات پروردگارش، برادرش هارون را بجای خود گذارد و در باره قوم سفارش نمود و گفت: « وَ أَصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ »

منبع:

تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، امین، نصرت بیکم، جلد ۵، صفحه ۲۷۷.



ادعاهای قوم یهود که آتش دوزخ به آنها نرسد و رویگردانی از حق

«ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ» استبعادی برای روی گرداندن یهود از کتاب خداست. پس از آن که می دانستند مراجعه به آن (و تسلیم حق شدن) واجب است «وَهُمْ مَعْرُضُونَ» روی گرداندن از حق عادت آنان بود.

«ذالِكَ»: یعنی این اعراض و روی گردانی به خاطر این بود که، «وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ»: می گفتند: آتش به ما نرسد، مگر چند روز اندک و منظور از «ایام معدود» یا همان چهل روزی بوده (که در غیاب موسی (ع)، گوساله پرستش کردند) یا منظور هفت روز است.

منبع:

ترجمه تفسیر جوامع الجامع، طبرسی، فضل بن محمد، جلد ۱، صفحه ۳۹۶.



چهل سال سرگردانی قوم بنی اسرائیل در صحرای سینا

«إِذَا قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةً نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ وَسَتَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ»

و (به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتیم در این قریه (بیت المقدس) وارد شوید و از نعمت های فراوان آن، هر چه می خواهید بخورید. و از در (معبد بیت المقدس) با خضوع و خشوع وارد گردید و بگویید: «خداوندا گناهان ما را بریز» تا شما را بیامرزم. و به نیکوکاران پاداش بیشتری نیز خواهیم داد.

مقصد از «قریه» بیت المقدس است و گفته شده منظور شهر «اریحا» است که یکی از شهرهای شام (نزدیک بیت المقدس) بود که، بنی اسرائیل فرمان یافته بودند پس از (چهل سال سرگردانی در) بیابان وارد آن شوند.

منبع:

ترجمه تفسیر جوامع الجامع، طبرسی، فضل بن محمد، جلد ۱، صفحه ۸۹.



ادعاهای تو خالی قوم یهود و گوساله پرستی

« وَ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّاماً مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَوْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ »

و گفتند هرگز آتش دوزخ جز چند روز به ما نخواهد رسید. بگو آیا پیمانی نزد خدا گرفته اید؟ چون خداوند هرگز از پیمانش تخلف نمی ورزد. یا این که چیزی به خدا نسبت می دهید که به آن علم ندارید.

منبع:

ترجمه تفسیر جوامع الجامع، طبرسی، فضل بن حسن، جلد ۱، صفحه ۱۱۳.



میقات موسی (ع) و گوساله پرستی قوم بنی اسرائیل

« وَ أَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ »

و (به خاطر بیاورد) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم (و او به میعادگاه برای گرفتن فرمان های الهی آمد) سپس شما گوساله را (معبود خود) انتخاب نمودید. در حالی که با این کار (به خود) ستم می کردید.

به خاطر بیاورید زمانی که با موسی (چهل شبانه روز) یعنی تمام ماه ذیقعد و ده روز اول ماه ذیحجه را وعده گذاردیم که تورات را (بر او وحی) بر تو نازل کنیم.

و گفته شده است زمان وعده خداوند با موسی چهل «شب» بوده است؛ زیرا شروع هر ماه با شب است [یعنی شب هنگام است که هلال ماه رؤیت و حلول آن ثابت می شود]. و کسانی که «واعدنا» و به صیغه مفاعله قرائت کرده اند، جهتش این است که خدای متعال وعده فرموده بود به موسی وحی فرستند و او نیز وعده داده بود برای «میقات» در کوه طور حاضر شود.

منبع:

ترجمه تفسیر جوامع الجامع، طبرسی، فضل بن حسن، جلد ۱، صفحه ۸۲.



گوساله پرستی یهود در زمان میقات موسی (ع)

در سوره بقره آیه ۵۱ می خوانیم: «وَ إِذَا وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ»؛ یعنی چهل روز که حضرت موسی (ع) نزد خدا می رود، قوم بنی اسرائیل به جای یهوه شروع به پرستیدن گوساله سامری می کنند.

منبع:

درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، گواهی، عبدالرحیم، صفحه ۶۹.



سرگردانی یهود و ناشکری از غذای آسمانی

وقتی قرار شد چهل سال در وادی «نیه» سرگردان بمانند، و خداوند با من و سلوی (غذاهای پاکیزه و خوش خوراک و بی زحمت آسمانی که از ابر می بارید) از آنان پذیرایی می کرد، به حضرت موسی شکوه سر دادند که: «تا کی باید ما یک نوع غذا بخوریم، خسته شدیم! دیگر طاقت نداریم! به پروردگارت بگو برای ما از زمین سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برویاند. (آیه ۶۱، سوره بقره)

منبع:

سیمای صابری در قرآن، ترجمه الصبر فی القرآن، قرضوی، یوسف، صفحه ۱۴۹.



غیبت چهل روزه موسی (ع) و میقات او

غیبت بعضی از پیامبران در امت های پیشین

علت غیبت امام مهدی (ع) از اسرار الهی است که به حقیقت آن نمی توانیم پی ببریم. برای غیبت موقت، نمونه هایی از زندگی اولیای خدا در گذشته و امت های پیشین وجود دارد. مثلاً موسای کلیم علیه السلام، چهل روز از امت خویش غایب شد و همه آن مدت را در میقات گذراند. حضرت مسیح به خواست خدا از چشم امتش پنهان شد و دشمنانش نتوانستند او را بکشند و از بین ببرند. حضرت یونس علیه السلام، نیز مدتی از میان قوم خود پنهان بود.

منبع:

سیمای عقاید شیعه، ترجمه کتاب دلیل المرشیدین الی حق الیقین، سبحانی تبریزی، جعفر، صفحه ۲۵۸.



سرگردانی قوم یهود در بیابان

گفتند: ای موسی؛ تا وقتی آنان در آن [شهر]ند، ما هرگز پای در آن ننهیم. تو و پروردگارت برو! [ید] و جنگ کنید که ما همین جا نشسته ایم.

« قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ » (مائده/۲۵)

[موسی] گفت: پروردگارا؛ من جز اختیار خودم شخص خود و برادرم را ندارم. پس، میان ما و میان این قوم نافرمان جدایی بینداز.

« قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ » فرمود: [ورود به] آن [سرزمین] چهل سال برایشان حرام شد، [که] در بیابان سرگردان خواهند بود. پس تو بر گروه نافرمانان اندوه مخور.

منبع:

فرهنگ موضوعی جهاد و دفاع دو آینه آیات و روایات، آخوندی، مصطفی، جلد ۱، صفحه ۱۰۶.



میقات موسی (ع) و گوساله پرستی یهود

ولی بالاخره در این دیدار، جلوه های معنوی پروردگار از سی شب به چهل شب تمديد شد و زمینه های مختلفی که از قبل در میان بنی اسرائیل برای انحراف وجود داشت، کار خود را کرد. سامری آن مرد هوشیار منحرف میاندار شد. و با استفاده کردن از وسائلی که بعداً اشاره خواهیم کرد، گوساله ای ساخت و جمعیت را به پرستش آن خواند.

منبع:

تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، جلد ۱۳، صفحه ۲۶۸.



بزرگترین انحراف بنی اسرائیل

(آیه ۵۱) بزرگترین انحراف بنی اسرائیل؛ قرآن در این آیه از بزرگترین انحراف بنی اسرائیل، در طول تاریخ زندگیش سخن می گوید و آن را انحراف از اصل توحید به شرک و گوساله پرستی است. نخست می گوید: «به خاطر بیاورد زمانی را که با موسی چهل شب وعده گذاشتیم» (وَ إِذَا وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً).

هنگامی که او از شما جدا شد و میعاد سی شبۀ او به چهل شب تمديد گردید «شما گوساله را بعد از او به عنوان معبود انتخاب کردید، در حالی که با این عمل، به خود ستم می کردید» (ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظَالِمُونَ).

منبع:

برگزیده تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، جلد ۱، صفحه ۷۵.



روزه در امت های پیشین

از تورات و انجیل فعلی نیز برمی آید که روزه در میان یهود و نصاری بوده و اقوام و ملل دیگر هنگام مواجه شدن با غم و اندوه، روزه می گرفته اند. و نیز از تورات برمی آید که موسی (ع) چهل روز روزه داشته است. و همچنین، به هنگام توبه و طلب خشنودی خداوند، یهود روزه می گرفتند.

حضرت مسیح نیز، چنانکه از «انجیل» استفاده می شود، چهل روز روزه داشته. به این ترتیب، اگر قرآن می گوید: «كَمَا كَتَبَ عَلَيَّ الذِّينَ مِنَ قَبْلِكُمْ» (همان گونه که بر پیشینیان نوشته شده) شواهد تاریخی فراوانی دارد که در منابع مذاهب دیگر - حتی بعد از تحریف - به چشم می خورد.

منبع:

برگزیده تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، جلد ۱، صفحه ۱۶۴.



سرگردانی چهل ساله قوم بنی اسرائیل در صحرای سینا

(آیه ۵۷) نعمت های گوناگون، آن گونه که از آیات (۲۰ تا ۲۲) سوره مائده برمی آید، پس از آن که بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان نجات یافتند، خداوند به آنها فرمان داد که به سوی سرزمین مقدس فلسطین حرکت کنند و در آن وارد شوند. اما بنی اسرائیل زیر بار این فرمان نرفتند و گفتند: «تا ستمکاران (قوم عمالقه) از آنجا بیرون نروند، ما وارد این سرزمین نخواهیم شد. به این هم اکتفا نکردند، بلکه به موسی گفتند: «تو و خدایت

به جنگ آنها بروید، پس از آن که پیروز شدید، ما وارد خواهیم شد!» موسی از این سخن سخت ناراحت گشت و به پیشگاه خداوند شکایت کرد.

سرانجام چنین مقرر شد که بنی اسرائیل مدت چهل سال در بیابان (صحرای سینا) سرگردان بمانند.

منبع:

برگزیده تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، جلد ۱، صفحه ۷۸.



مجازات خداوند برای قوم بنی اسرائیل

در قرآن کریم - که از آسیب تحریف مصون مانده و خواهد ماند - افزون بر تأیید وجود حکم جهاد در راه خدا، در تورات حقیقی آمده است که موسی (ع) از قوم خود می خواهد که به سرزمین مقدس وارد شوند و به عقب بازنگردند که زیانکار خواهند شد. بنی اسرائیل از این فرمان سرپیچی کرده، می گویند: «مادامی که قوم ستمر و جبار در این سرزمین اند، ما هرگز پای بدانجا نمی نهیم. تو و پروردگارت بروید و جنگ کنید که ما همین جا نشستیم. خداوند متعال بنی اسرائیل را به دلیل این نافرمانی و روی برتافتن از جهاد با ستمگران مجازات می کند؛ که چهل سال در بیابان سرگردان بمانند و به سرزمین مقدس وارد نشوند.

منبع:

قوانین و مقررات جنگ و صلاح در اسلام، تقی زاده اکبری، علی، صفحه ۲۵.



چهل صباح قطع وحی به موسی

و عرض از لفظ «الصاق ظاهر» اینست که می باید به خاک برسد یا به سنگ محض و رسانیدن و گذاشتن بر زمین کافی نیست. یا به آن اکتفا نمی کردند، هر چند اقل مراتب استجابت بفعل آید، چنانکه ظاهر بعضی از اصحابست.

و صدوق بعضی از این حدیث را ذکر نکرده است. در اینجا و تمامش آنست که روایت کرده است از اسحاق به عمار که گفت: «شنیدم از آن حضرت صلوات الله علیه، که می فرمودند که چهل صباح یا سی صباح و تردید از راوی است، وحی نیامد به حضرت موسی (ع)؛ پس آن حضرت بر کوهی از کوه های شام بالا رفت که آن کوه را اریحا می گفتند و گفت: «خداوندا؛ اگر آن که وحی و کلام خود را از من باز داشته از جهت گناهان بنی اسرائیل است، پس آمرزش تو قدیم است و همیشه از بندگان خود خصوصاً از ایشان عفو کرده و همان امیدواریم که در گذری». پس خطا برسد به او که: «یا موسی؛ آیا می دانی که چرا ترا برگزیدم از جهت وحی خود و کلام خود و غیر ترا این کرامت نکردم از بنی اسرائیل...»

منبع:

لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه، مجلسی، محمدتقی ابن مقصودعلی، جلد ۴، صفحه ۱۸۹.



میقات موسی (ع)

ما به موسیل سی شب وعده داشتیم و بعد ده شب به آن افزودیم. در نتیجه، وعده خدایش با او در چهل شب به پایان رسید. موسی به برادر خویش گفت: «در بین قوم من، جانشین من باشد و در راه اصلاح آنها تلاش کن، و از راه مفسدین پیروی نکن.»

منبع:

ترجمه قرآن (ارفع)، ارفع، کاظم، صفحه ۱۶۷.



میقات موسی (ع) و جانشینی برادرش هارون

علی (ع) به مقتضای حدیث منزلت - همه ی این منازل و مناصب را - جز نبوت - داشته است. بنابراین، او نسبت به پیامبر اکرم (ع) از سمت های وزارت، حمایت و یاوری، خلافت و جانشینی، مشارکت در رهبری از طریق خلافت و امامت (نه نبوت) برخوردار بوده است. یعنی در حیات پیامبر اکرم (ص)، وزیر و پشتیبان، و پس از پیامبر، جانشین او در هدایت و رهبری امت بوده است.

گفته شده است، جانشینی حضرت هارون برای حضرت موسی در زمان حیات او و در مورد خاصی تحقق یافت. یعنی در چهل روز که حضرت موسی (ع) به میقات رفته بود، چنان که علی (ع) نیز در غزوه ی تبوک جانشین پیامبر در مدینه بود تا در غیبت آن حضرت، امور مدینه را رهبری کند. در این صورت، نمی توان آن را به جانشینی پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) تفسیر کرد. زیرا هر حکمی به موضوع و مورد خود اختصاص دارد.

منبع:

درآمدی بر شیعه شناسی، ربّانی گلپایگانی، علی، صفحه ۲۶۶.



سرگردانی یهود در بیابان سینا

۲۶- «فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»

نافرمانی، تقدیر را عوض کرده و چهل سال به تأخیر انداخت. مراد از «الأرض»، صحرای

سینا است. فرمان «لا تأس...» برای آن است که اینها خود بدبختی را به جان می‌خرند، دیگر غصه آنها را خوردن معنی ندارد.

منبع:

تفسیر احسن الحدیث، قرشی بنایی، علی اکبر، جلد ۳، صفحه ۵۰.



سرگردانی قوم یهود در بیابان

۲۱- ای قوم من: داخل زمین مقدس شوید که خدا برای شما مقرر کرده و بر عقب برنگردید، از زیانکاران می‌شوید.

۲۲- گفتند: ای موسی، در آن شهر گروه ستمکاری هست، ما هرگز به آنجا داخل نخواهیم شد تا آنها بیرون روند و اگر آنها بیرون رفتند، ما وارد می‌شویم.

۲۳- دو مرد از آنان که خدا ترس و مورد نعمت خدا بودند گفتند: بر اهل شهر از دروازه وارد شوید، چون داخل شدید، پیروز می‌شوید و بر خدا اعتماد کنید اگر مؤمن هستید.

۲۴- گفتند: ای موسی، تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز به آنجا وارد نخواهیم شد. تو و پروردگارت بروید و بجنگید ما در همین جا نشسته ایم.

۲۵- موسی گفت: پروردگارا! من و برادرم فقط به نفس خویش توانایی داریم، میان ما و این قوم فاسق جدایی برقرار کن.

۲۶- خدا فرمود، آن محل چهل سال بر آنها حرام است که در این صحرا سرگردان می‌مانند، به جهت قوم فاسق محزون می‌باش.

منبع:

تفسیر احسن الحدیث، قرشی بنائی، علی اکبر، جلد ۳، صفحه ۴۶.

سرگردانی قوم یهود در بیابان ها

خداوند فرعون: ورود به این شهر تا چهل سال بر آنها حرام است و باید در بیابان ها سرگردان باشند و برای این مردم قابیل غمگین مباش.

منبع:

ترجمه قرآن (ارفع)، ارفع، کاظم، صفحه ۱۱۲.



رسیدن یهودیان بعد از چهل سال به سرزمین فلسطین

۱۳۷- « وَ أَوْثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَعْفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا »

مراد از «الْأَرْضِ» به قرینه «بَارَكْنَا فِيهَا» سرزمین فلسطین و شام است که در چند جا از قرآن به لفظ «بَارَكْنَا فِيهَا» از آن یاد شده است. بنی اسرائیل پس از چهل سال بعد از وفات موسی و هارون، از صحرای سینا گذشته وارد فلسطین شدند، شاید مراد از «اورثنا» آخر کار باشد «کانوا یستضعفون» اشاره به قدرت عجیب خداست و اشاره به نظام جهان است که مستضعان اگر تلاش کنند و استقامت ورزند به حقشان خواهند رسید.

منبع:

تفسیر احسن الحدیث، قرشی بنایی، علی اکبر، جلد ۳، صفحه ۴۹۷.



میقات موسی (ع)

(۴۹) و به یاد آورید زمانی را که از دست فرعونیان نجاتتان دادیم، آنان که شما را شکنجه های سخت و بد می دادند. پسران شما را می کشتند و زنانتان را زنده نگه می

داشتند. و این امتحان بزرگی از جانب پروردگارتان بود. (۵۰) و به یاد آورید زمانی را که دریا را برایتان شکافتیم و شما را نجات دادیم و فرعونیان را غرق کردیم و شما مشاهده می نمودید. (۵۱) و به یاد آورید زمانی را که به موسی چهل شب وعده دادیم و شما در غیبت او گوساله را پرستید و ستمکار شدید. (۵۲) آنگاه را عفو کردیم شاید سپاس دارید.

منبع:

ترجمه قرآن (ارفع)، ارفع، کاظم، صفحه ۸.



پیامبری اشموئیل

او بعضی از مفسرین گفته اند، خداوند اشموئیل را پیامبری فرستاد و او چهل شب پیامبری کرد و جامعه بنی اسرائیلیان را اصلاح نمود. پس از آن، جالوت و عمالقه پدید گشتند و آن وقت بنی اسرائیلیان گفتند: «پادشاهی برای ما تعیین نما که ما با او در راه خدا جنگ کنیم. (پایان) «قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا» «هل» به معنی استفهام و «عسی» از افعال مقارنه است و بعضی از افراد بکسر سین قرائت نموده اند. و باقی بفتحه و اگر بکسر سین قرائت شود، به معنی «عصیان و مخالفت» می شود. یعنی اشموئیل گفت: «شاید وقتی برای شما جنگ نوشته شود و لازم گردد شما مخالفت کنید و جنگ حاضر نشوید» گفتند:

«قَالُوا وَ مَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَدْ أَخْرَجَنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَائِنَا»؛ «مَا» استفهامیه است. یعنی چگونه ما حاضر نمی شویم بجهاد کردن در صورت یکه ما را از دیار و خانه‌ها و فرزندان و اهل خود بیرون کردند.

منبع:

تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، امین، نصرت بیگم، جلد ۲، صفحه ۳۶۷.

سرگردانی قوم یهود

به خصوص با این قرینه که بنی اسرائیل در برابر این قریه و دخول باب، سرسختی نشان می دهند و مبتلا به رجز و عذاب می شوند. در حالی که خواسته ی این ها از موسی، شهرنشینی و دستیابی به سکنی و استقرار است. و این ها طالب عیش رغد و گوارا و بدون جنگ و جهاد هستند. پس این قریه با ارض المقدسه در سوره ی مائده از آیه ی ۲۰ تا ۲۶ متفاوت است. و این باب با «أدخلو علیهم الباب» در این آیات متفاوت است؛ که در سوره ی مائده، داخل نمی شوند و گرفتار تیه و سرگردانی چهل ساله می شوند، لوی در این مورد، گرفتار تبدیل و عصیان می شوند و با فسق و ظلم به عذاب و رجز می رسند. همان طور که در فراز بعد شاهد اعتداء و تجاوز در یوم السبت می شویم و به خاطر بازیگری ها و شیطنت ها، مسخ آن ها و «قرده خاستین» را می بینیم.

منبع:

تطیر با جاری قرآن، صفایی حائری، علی، جلد ۲، صفحه ۱۱۳.



میقات موسی (ع)

(۴۹) و آنگاه (به یاد آرید) که شما را از فرعونیان، که شما را سخت شکنجه می کردند، رهانید یم، پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را زنده می گذاشتند. و این از سوی پروردگارتان آزمون بزرگی بود.

(۵۰) و آنگاه (به یاد آرید) که دریا را برایتان شکافتیم و شما ر رهانیدیم و فرعونیان را غرق (دریا) کردیم و شما نگاه می کردید.

(۵۱) و آنگاه (به یاد آرید) که با موسی چهل شب قرار گذاشتیم، اما شما در نبود وی، گوساله گزیدید و ستمگری کردید.

(۵۲): باز، پس از آن بر شما بخشودیم، باشد که سپاس بگذارید.

منبع:

ترجمه قرآنی (صلواتی)، صلواتی، محمود، صفحه ۸.



میقات موسی (ع)

(۴۱) و آنگاه را(به یاد آور) که شما را از فرعونیان رهانیدیم، آنان که شما را سخت شکنجه می کردند، پسرانتان را می کشتند و زنانتان را زنده می گذاشتند. و این از سوی پروردگارتان آزمون بزرگی بود.

(۴۲) و به موسی سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر به پایان بردیم. تا آنکه وعده پروردگارش چهل شب کامل شد. و موسی به برادرش هارون گفت: «در میان قومم، جانشیم باش و اصلاح کن و پیروی مکن راه کسانی را که تبهکارند».

منبع:

ترجمه قرآن (صلواتی، صلواتی، محمود، صفحه ۱۶۷).



میقات موسی (ع)

و بیاد آورید هنگامی که شما را از ستم فرعونیان که سخت در شکنجه آنها بودید، نجات دادیم. بطوری که پسرانتان را کشته، دخترانتان را برای کنیزی نگه می داشتند. و این بلا امتحانی بود که خداوند شما را با آن وسیله آزمایش می فرمود (۴۹). و یاد کنید وقتی که برای نجات شما دریا را شکافتیم و فرعونیان را در آن غرق نمودیم و شما هلاکت و غرق آنها را مشاهده می کردید (۵۰) و نیز بخاطر آورید وقتی که برای نزول

تورات، چهل شب با موسی وعده گذاشتم و شما در مدت غیبت چهل روزه، گوساله پرستی را اختیار کرده و ستمکار و بیدادگر شدید (۵۱) آن گاه شما را بخشیدیم از این کار زشت و از گناه شما درگذشتیم تا شاید تنبیه و سپاسگزار شوید (۵۲) و یاد کنید موقعی که موسی بقوم خود گفت: «ای قوم، شما از نادانی گوساله پرست شدید و بر خود ستم کردید، اکنون بسوی خدا بازگردید و بکشتن یکدیگر تیغ برکشید که این امر در پیشگاه خدا بهترین کیفر عمل شما باشد و از خطایتان درگذرد و توبه شما را بپذیرد و خداوند توبه پذیر و مهربان است (۵۳).

منبع:

ترجمه قرآن (بروجردی) بروجردی، محمدابراهیم، صفحه ۱۳.



سرگردانی قوم یهود در بیابان

دو نفر مرد خداترس که مورد نعمت و لطف خدا بودند، به بنی اسرائیل گفتند: از آن دری که خدا امر فرموده، چون وارد شوید، بر آنها غالب خواهید شد و بخدا توکل کنید، اگر ایمن دارید. (۲۳) باز گفتند: ای موسی، هرگز ما داخل نشویم در زمین مقدس تا وقتی که جباران در آنجا هستند و تو به همراهی پروردگارت برو و با آنها جنگ کن، ما هم در اینجا خواهیم نشست (۲۶). موسی گفت، پروردگارا، من جز بر خود و برادرم فرمانروا نیستم، خدایا میان ما و این قوم فاسق جدایی افکن (۲۵) فرمود خداوند، چون ایشان مخالفت امر مرا کردند ورود بر زمین مقدس را بر آنان حرام کردم و تا چهل سال بایستی در بیابان حیران و سرگردان بمانند. پس تو ای موسی بر این طایفه فاسق متأسف مباش (۲۶).

منبع:

ترجمه قرآن (بروجردی)، بروجردی، محمدابراهیم، صفحه ۱۷۳.



موسی پس از گوساله پرستی قوم خود

چون موسی به مدت چهل شب قوم خود را ترک گفت، وقتی که باز گردید، دید که پرستش پروردگار را رها کرده به پرستش گوساله پرداخته اند. موسی به تحقیق برخاست تا سرچشمه فساد را بیابد و آن را چاره کند. نخست برادر را بازخواست کرد تا خلیفه او بود. سپس بنی اسرائیل را مورد خطاب قرار داد. ولی قبل از همه به سامری سرکرده مرتدان پرداخت و با دوراندیشی و احتیاط با او برخورد کرد.

منبع:

تفسیر هدایت، مدرسی، محمد تقی، جلد ۷، صفحه ۱۷۴.



میقات موسی (ع)

زمانی که شما را از فرعونیان نجات بخشیدیم و آنها شما را عذاب و شکنجه نموده، پسرانتان را کشته و زنان را باسارت و خدمتگزاری می گماشتند. و این برای شما از جانب خداوند، امتحان و تنبیه بزرگی بود (۱۴۱) و با موسی سی شب وعده نهادیم و چون پایان یافت، ده شب دیگر بر آن افزودیم تا آنکه مدت وعده چهل شب تکمیل شد، به برادر خود هارون گفت: «تو کنون پیشوای قوم و جانشین من باشد و راه اصلاح پیش گیر و پیرو اهل فساد مباش» (۱۴۲) چن با موسی هفتاد نفر بوعده گاه ما آمد و خدایش با وی سخن گفت، موسی بتقاضای قوم خود، عرض کرد: «خدایا خود را آشکار بمن بنما که ترا مشاهده کنیم» خدا گفت: «مرا ابدان خواهی دید لیکن بکوه بنگر اگر کوه با همه

سختی هنگام تجلی بجای خود برقرار تواند ماند، پس تو هم مرا خواهی دید، همین که نور خدا بر کوه جلوه کرد، کوه منفک شد و متلاشی گردید و موسی بیهوش شده و چون بیهوش آمد گفت: «خدا یا تو منزّه و برتری که بچشم دیده شوی، بدرگاه تو توجه نموده و من اول کسی هستم که بتو ایمان دارم» (۱۴۳).

منبع:

ترجمه قرآن (بروجردی)، بروجردی، محمدابراهیم، صفحه ۲۷۶.



میقات موسی (ع)

و (ای بنی اسرائیل یاد کنید) زمانی را که برهانیدیم (پیشینیان) شما را از پیروان فرعون در آن حال که عذاب می کردند شما را، بدترین عذاب می کشتند پسرانتان را و (برای خدمتکاری) زنده می گذاشتند دخترانتان را و در این کار شما را آزمایشی بود از پروردگارتان که آن آزمایش بزرگ است (۴۹) و نیز زمانی که شکافتیم بواسطه (نجات) شما دریای نیل را و رهانیدیم شما را و به آب فرو بردیم فرعونیان را در حالی که شما می نگرستید (۵۰) و نیز زمانی را که وعده داده بودیم موسی را بعد از گذاشتن چهل شبانه روز (که بدو تورات دهیم) سپس گرفتند گوساله را بخدایی از پس رفتن موسی بکوه طور و شما ستمکارانید (۵۱) سپس درگذشتیم از (گناهان پیشینیان) شما از پس گرفتن گوساله را بخدایی (بعد از آنکه توبه کردند) تا آنکه شما سپاس؟؟؟؟؟؟ کنید (۵۲). و نیز زمانی را که دادیم به موسی کتاب (تورات) و فرقان (و وسیله تمییز حق از باطل) تا آنکه شما (بوسیله آن) راه راست بیابید (۵۳)

منبع:

ترجمه قرآن (سراج)، سراج، رضا، صفحه ۸.

میقات حضرت موسی (ع)

وعده های ملاقات و بده و بستان های خود با پیامبرانش «وَ إِذَا وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» (و به یاد آورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم.
(و او برای گرفتن فرمان های الهی به میعادگاه آمد).

منبع:

آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، امینی گلستانی، محمد، صفحه ۱۰۱.



سرگردانی قوم یهود

قوم موسی گفتند: «ای موسی، البته ما هرگز وارد نمی شویم در آن سرزمین هیچ گاه مادامی که جباران در آنجا باشند. پس برو تو و پروردگارت و کارزار کنید که ما همین جا نشسته ایم (۳۴) موسی گفت: «پروردگارا، البته ما مالک نیستیم مگر خویشتن و برادرم، پس جدایی افکن میان ما و میان این گروهی که از دائره فرمانبرداری بیرون رفته اند» (۳۵) خدا گفت: «البته آن سرزمین پاک (به کیفر نافرمانی کردنشان) حرام است بر بنی اسرائیل چهل سال، سرگردان می گردند در سرزمین تیه، و اندوهگین مباش بر گروهی که از دائره فرمانبرداری بیرون رفته اند» (۳۶) «و بخوان بر بنی اسرائیل حکایت دو پسران گناهکار، براستی هنگامی که آن دو تن قربانی کردند قربانی کردنی، پس پذیرفته شد (آن قربانی) از یکی از آن دو تن و پذیرفته نشد از دیگری. قابیل (بهایین) گفت: بخدا سوگند، می کشتم ترا، هابیل گفت: قبول می کند خدا (قربانی را) از پرهیزکاران» (۳۷).

منبع:

ترجمه قرآن (سراج)، سراج، رضا، صفحه ۱۱۲.

سرگردانی قوم بنی اسرائیل در بیابان

خدا گفت: «ورود به آن سرزمین به مدت چهل سال برایشان حرام شد و در آن بیابان سرگردان خواهند ماند. پس برای این نافرمانان اندوهگین مباش.» موسی از قومش بیزای جست و از پروردگارش خواست که میان او و ایشان جدایی بیفکنند. خداوند دعوتش را اجابت کرد و از او خواست که برای آن قوم اندوه به دل راه ندهد و به آنچه بر سرشان می آید، متأسف نشود.

منبع:

تفسیر هدایت، مدرسی، محمدتقی، جلد ۲، صفحه ۳۰۷.



میقات موسی (ع) و گوساله پرستی قوم یهود

و ایمان آرید آنگاه که شما را از کسان فرعون رهانید که بدترین آزارها را به شما می رساندند، پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را زنده می گذاشتند، و در آن برای شما آزمایش سهمگین از پروردگارتان بود. (۴۹) و آنگاه که بوسيله شما دریا را بشکافتیم تا شما را برهانیم و کسان فرعون را در حالی غرق کردیم که شما می نگریستید. (۵۰) و آنگاه که با موسی چهل شب و میعاد نهادیم، سپس در غیاب وی، گوساله را (برای پرستیدن) گرفتید، در حالی که ستمکار بودید. (۵۱) آنگاه از شما پس از آن در گذشتیم مگر سپاسگزار شوید. (۵۲) و آن دم که موسی را کتاب (آسمانی) و فران دادیم، مگر شما راه یابید. (۵۳) و آنگاه که موسی به هموطنانش گفت: ای هموطنان من، شما با برگرفتن گوساله بر خویشتن ستم کردید. پس بسوی آفریدگار توبه آرید و خویشتن را بکشید. آن برای شما نزد پروردگارتان بهتر است. پس توبه شما را پذیرفت، زیرا اوست که توبه پذیر مهربان است. (۵۴) و آنگاه که گفتید: ای موسی، تا خدا را آشکار نبینیم، هرگز به تو ایمان نیاوریم. در نتیجه، شما را صاعقه در گرفت در حالی که شما می نگریستید. (۵۵).

منبع:

ترجمه قرآن (فارسی)، فارسی، جلال الدین، صفحه ۱۷.



میقات موسی (ع)

بی گمان این عده‌هالی که دارند تباه و بر باد است. و آنچه می کردند، پوچ است. (۱۳۹) افزود: آیا جز خدای یگانه معبودی برای شما بجویم، حال آنکه او شما را بر عالم‌های آفریدگان فزونی بخشید. (۱۴۰) و هنگامی (را بیاد آورید) که شما را از (چنگ و سبطه) دار و دسته فرعون برهانیدم که بدترین عذاب‌ها را به شما تحمیل می کردند. پسرانتان را می کشتند و زنانان را زنده می گذاشتند، و در آن گرفتاری آزمایش گون انسان ساز سهمگینی از طرف پروردگارتان بود. (۱۴۱) و با موسی سی شب را قرار گذاشتیم و با ده شب تکمیل کردیم تا میعاد پروردگارتان چهل شبه به کمال آمد. و موسی به برادرش هارون گفت: «تو در میان قومم بجای من باشد و کار شایسته کن و پی راه مفسدان مگیر». (۱۴۲) و چون موسی به وعده گاه ما آمد، و پروردگارش او را سخن گفت، گفت: «این پروردگار من، مرا بنما تا به تو بنگرم» فرمود: «هرگز مرا نبینی. در عوض، کوه را بنگر تا اگر بر جایش ماند، در آن صورت مرا خواهی دید. پس چون پروردگار پرتو در کوه نمودن، آن را در هم شکسته بریخت و موسی مدهوش به خاک درغلتید. چون بهوش آمد گفت: «منزهی تو (از اینکه به دیده آیی) توبه می آرم و به تو باز می گردم و من نخستین گرونده ام». (۱۴۳).

منبع:

ترجمه قرآن (فارسی)، فارسی، جلال الدین، صفحه ۳۳۵.

سرگردانی قوم یهود در بیابان

(۲۴) گفت: پروردگار من، من جز صاحب اختیار خویشتن و برادرم نیستم. پس میان و این قوم زشتکار جدایی افکن. (۲۵) فرمود: اینک آن شهر چهل سال بر آنان حرم شده است و روی زمین سرگردان باشند. پس تو بر این قوم زشتکار افسوس مخور. (۲۶) و سرگذشت دو پسر آدم را بحق برای آنان بخوان، آنگاه که آن دو قربانی کردند، پس از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. گفت: حتماً ترا خواهم کشت. گفت: جز این نیست که خدا از پرهیزکاران می پذیرد (۲۷) اگر دستت را سوی من دراز کنی تا مرا بکشی، من آن نی ام که دستم را سوی تو دراز کنم تا ترا بکشم، زیرا من از خدای پروردگار عالم های آفریدگان می ترسم. (۲۸) من می خواهم که تو به ویال گناه من و گناه خودت گرفتار آیی تا از یاران دوزخ شوی، و آن جزای ستمکاران است. (۲۹) پس نقش او کشتن برادرش را برایش آسان نمود تا او را بکشت، در نتیجه از زیانکاران گشت. (۳۰)

منبع:

ترجمه قرآن (فارسی)، فارسی، جلال الدین، صفحه ۲۲۵.



گناهان قوم بنی اسرائیل

قتل انبیاء، کتمان بشارت ها به آمدن پیامبر اسلام، پیمان شکنی، تحریف کتب آسمانی، گوساله پرستی، بهانه جویی، شکم پرستی، نمونه ایی از جنایات بنی اسرائیل است و کنده شدن کوه از جای خود، چهل سال آوارگی، مسخ و ذلت، نمونه هایی از کیفر الهی نسبت به آنان است «يُعَذِّبُكَ» بِذُنُوبِكُمْ».

منبع:

تفسیر نور (طبع قدیم)، قرائتی، محسن، جلد ۳، صفحه ۵۴.



ادعای قوم یهود در مورد اینکه عذاب خدا به آنها نمی رسد، مبنی بدانی که جز
چهل روز گوساله پرستی نکردند.

ما فرزندان خدا و دوستان خاص او هستیم و به همین دلیل برای خود مصونیتی در
مقابل مجازات الهی قابل بودند. لذا، قرآن در این آیه می گوید: «این اعمال و رفتار به
خاطر آن است که گفتند: آخر چند روزی آتش دوزخ بر ما نمی رسد و اگر مجازاتی
داشته باشیم، بسیار محدود است (ذَلِك بِأَنَّهُمْ وَ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ)
«معدود» یعنی قابل شمارش و معمولاً به اشیاء کم گفته می شود زیرا اشیاء زیاد قابل
شمارش نیستند یا شمارش آنها مشکل است.

منظور از «أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ» یاهمان چهل روزی است که آنها در غیاب موسی (ع) گوساله
پرستی کردند و این گناه عظیمی بود که حتی خودشان نمی توانستند آن را انکار کنند.
و یا منظور، روزهای معدودی از عمرشان بود که به گناهان فوق العاده صریح دست زده
بودند تا آنجا که خودشان هم قادر به انکار یا توجیه و پرده پوشی بر آن نبودند.

منبع:

تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، جلد ۲، صفحه ۴۸۵.



میقات چهل شبه موسی (ع)

(۹) اعراف (۷) آیه ۱۴۲: «سی شب با موسی وعده دادیم و ده شب دیگر بر آن افزودیم
تا وعده پروردگارت چهل شب کامل شد.»

منبع:

روش های تأویل قرآن، شاکر، محمدکاظم، صفحه ۳۴۱.



میقات موسی (ع)

و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم؛ (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بت هایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: «تو هم برای ما معبودی قرار ده، همان گونه که آنها معبودان (و خدایانی) دارند!» گفت: «شما جمعیتی جاهل و نادان هستید!» اینها (را که می بینید)، سرانجام کارشان نابودی است؛ و آنچه انجام می دهند، باطل (و بیهوده است). (سپس) گفت: «آیا غیر از خداوند، معبودی برای شما بطلبیم؟! خدایی که شما را بر جهانیان (و مردم عصرتان) برتری داد!» (به خاطر بیاورید) زمانی را که از (چنگال) فرعونیان نجاتتان بخشیدیم! آنها که پیوسته شما را شکنجه می دادند، پسرانتان را می کشتند و زنانن را (برای خدمتکاری) زنده می گذاشتند، و در این، آزمایش بزرگی از سوی خدا برای شما بود. و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب، میعاد پروردگارش (با او) فچهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باشد. و (آنها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما!» و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، پروردگارش با او سخن گفت: عرض کرد: «پروردگارا؛ خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم!» گفت: «هرگز مرا نخواهی دید! ولی به کوه بنگر، اگر در جای تو خود ثابت ماند. مرا خواهی دید!» اما هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن را همسان خاک قرار داد! و موسی مدهوش به زمین افتاد. چون به هوش آمد، عرض کرد: «خداوندا» منزهی تو (از اینکه با چشم تو را ببینم!) من به سوی تو بازگشتم! و من نخستین مؤمنانم!»

منبع:

ترجمه قرآن (مکارم)، مکارم شیرازی، ناصر، صفحه ۱۶۷.



میقات موسی (ع)

و کوتاه سخن اینکه، برگشت معنای آیین به این است که، خدای تعالی موسی (علیه السلام) را برای مدت سی شب به درگاه خود و برای گفتگو با وی نزدیک ساخته و ده شب دیگر برای اتمام آن گفتگوها، بر آن مدت افزوده و در نتیجه، میقات پروردگارش چهل شب تمام شده است، و اگر حساب را بر روی شب‌ها برده نه روزها و حال آنکه در این مدت موسی روزها هم در میقات بسر برده و معمولاً در اینگونه موارد حساب روی روزها برده می‌شود نه شب‌ها؛ شاید برای این است که، غرض از این میقات، تقرب به درگاه خدا و مناجات با او است. که شب‌ها اختصاص بیشتری برای این کار داشته و حواس انسان جمع تر و نفس برای انس گرفتن آماده تر است، آنهم در چنین مناجاتی که در آن تورات نازل شده است.

منبع:

ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، محمدحسین، جلد ۸، صفحه ۳۰۳.



چهل سال حیرانی قوم یهود و قبول نشدن توبه آنها

« فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا لَقَدْ وَضَعْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا، وَ لَمْ يَكْلَفْنَا إِلَّا وُسْعًا، وَ لَمْ يُجَشِّمْنَا إِلَّا يُسْرًا، وَ لَمْ يَدْعَ لِأَحَدٍ مِّنَّا حُجَّةً وَ لَا عُذْرًا، فَأَلْهَاكَ مِنَّا مَنْ هَلَكَ عَلَيْهِ وَ الشَّعِيدُ مِنَّا مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ »

بیان آنکه توبه در زمان سابق بسیار دشوار بوده به چند قسم مختلف بدان که معنی این کلام شریف آن است که، توبه در زمان سابق، بسیار دشوار بوده است و مثل این زمان آسان نبوده، و این با اشاره است به آنکه چون بنی اسرائیل در جهاد، از موسی علیه السلام تخلف کردند، چهل سال در بیابان تیه حیران می گشتند تا توبه ایشان مقبول شد.

منبع:

تحفه رضویه (شرح صحیفه سجّادیه)، اردکانی یزدی، قاضی بن محمد، صفحه ۱۰۵.



میقات موسی (ع) و گوساله پرستی قوم یهود

(۵۱) و (یاد کنید) وقتی که با موسی چهل شب وعده گذاشتیم. سپس شما بعد از (رفتن) و آن گوساله را (به پرستش) گرفتید، در حالی که، ستمکار بودید.

(۵۲) سپس شما را بعد از آن عفو کردیم، باشد که سپاسگزاری کنید.

(۵۳) و (یاد کنید) وقتی را که به موسی کتاب و فرقان دادیم، باشد که هدایت یابید.

(۵۴) و (یاد کنید) وقتی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، قطعاً شما با برگرفتن آن گوساله (به پرستش) بر خود ستم کرده اید. پس به درگاه آفریدگارتان توبه کنید و یکدیگر را بکشید. که این نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است؛ پس توبه شما را پذیرفت، به یقین او بسیار توبه پذیر و مهربان است.

منبع:

ترجمه قرآن (مرکز فرهنگ و معارف قرآن)، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، صفحه ۸.

سرگردانی قوم بنی اسرائیل به سبب نا فرمانی

گفتند: ای موسی، تا آنان در آنجا هستند، ما هرگز وارد نمی شویم؛ پس تو و پروردگارت بروید و بجنگید؛ که ما اینجا نشستیم.

(۲۵) (موسی) گفت: پروردگارا، من جز اختیار خودم و برادرم را ندارم، پس میان ما و این قوم نافرمان، جدایی بینداز.

(۲۶) (خدا) گفت: پس (به سبب نافرمانی شان ورود به) آن (سرزمین مقدّس) چهل سال بر آنان ممنوع خواهد بود و در این سرزمین سرگردان خواهند شد. پس بر این قوم نافرمان اندوه مخور.

منبع:

ترجمه قرآن (مرکز فرهنگ و معارف قرآن)، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، صفحه ۱۱۲.



میقات موسی و جانشینی هارون برادرش

(۱۳۸) و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم، سپس بر قومی گذشتند که بر پرستش بت هایی که داشتند مداومت می کردند. گفتند: ای موسی، همان گونه که اینان معبوداتی دارند، برای ما نیز معبودی قرار ده. گفت: راستی شما قومی هستید که نادانی می کنید.

(۱۳۹) قطعاً آنچه اینان در آنند، تباه و آنچه انجام می دهند، باطل است.

(۱۴۰) (سپس) گفت: آیا غیر از خدا معبودی برای شما طلب کنم. در حالی که او شما را بر جهانیان برتری داده است؟

(۱۴۱) و (یاد می کند) وقتی را که شما را از فرعونیان نجات دادیم که آن عذاب سخت را بر شما تحمیل می کردند. پسرانتان را می کشتند و زنانتان را زنده می گذاشتند و در

این (برای شما) از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود.

(۱۴۲) و با موسی سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر کامل کردیم؛ پس میعاد پروردگارش در چهل شب تمام شد و موسی به برادرش هارون گفت: در میان قوم من، جانشینم باش. و به اصلاح (کارشان) پرداز، و از ره تبهکاران پیروی مکن.

منبع:

ترجمه قرآن (مرکز فرهنگ و معارف قرآن)، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، صفحه ۱۶۷.



میقات موسی (ع)

(حافظ الجوی، ص ۲۵۶)

به آیه « وَ وَاَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَا بِهَا عَشْرَ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ... » (سوره اعراف، ۱۴۲)

اشارتی کرده است. یعنی خدا با موسی سی شب مواعده کرده و سپس با افزودن ده روز دیگر، آن را کامل ساخته و وعده خدا با موسی در شب چهلم پایان یافته است. و در واقع این ده روز به عنوان متمم بر آن سی رزو افزوده شده است. در آیه (۵۱) سوره بقره، این میقات به یکباره به صورت چهل روز بیان شده و خدا گفته است: «وَ اِذَا وَاَعَدْنَا مُوسَى اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعَجَلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ اَنْتُمْ ظَالِمُونَ» خدا در این آیه، به میعاد چهلم شبه اشاره کرده و از اتخاذ عجل (گوساله سامری) و پرستش گوساله سامری آن مرد نیرنگ باز که از فرصت غیبت موسی سوء استفاده کرد و از طلا و جواهراتی که نزد بنی اسرائیل از فرعونیان مانده بود، گوساله ای ساخت که صدای مخصوص از آن به گوش می رسید و اکثر بنی اسرائیل را گمراه ساخت، سخن گفته است.

در شعر زیر، دکتر خانلری در جلد دوم صفحه ۱۰۰۴ دیوان حافظ جزء ملحقات ثبت کرده است:

به زلف عارض و قد تو برده اند پناه

بهشت و طوبی، طوبی لهم و حسن مآب

منبع:

در قلمرو بلاغت، مجموعه ای از مقاله ها، پژوهش ها، نقدها و بحث های بلاغی و ...، علوی مقدم، محمد، صفحه ۱۸۰.



سرباز زدن از جنگ و گمراهی در بیابان ها

«قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنتِكُمْ غَالِبُونَ وَ عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

(دو مرد از آنها که از خدا می ترسیدند و خداوند بایشان انعام فرموده، گفتند: (این مردم، داخل این سرزمین بشوید وقتی که داخل شدید، همانا شما غالب و قاهرید و بخدا توکل کنید اگر مؤمنید).

«قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هَهُنَا قَاعِدُونَ»
(گفتند: یا موسی مادامی که ایشان در آنجا هستند ما داخل نمی شویم. تو با خدایت برو و با ایشان بجنگنیدید ما اینجا نشسته ایم).

«قَالَ رَبِّ إِنِّي لَأَ أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَ أَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (موسی گفت: بار الها! من مالک نیستم مگر بخویشتن و برادرم و پس جدایی افکن میان ما و طایفه فاسق).

« قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ »

(خداوند فرمود: آن سرزمین چهل سال بایشان حرام است. حیرت می مانند در روی زمین غم مخور برای فاسقان).

منبع:

شرح نهج البلاغه (مدرس وحید)، مدرس وحید، احمد، جلد ۱۱، صفحه ۵۱.



میقات چهل شبه موسی (ع) و گوساله پرستی قوم یهود

آیه (۵۱) « وَ إِذَا وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ » و [یاد کنید] وقتی را که با موسی چهل شب وعده گذاشتیم، سپس شما بعد از [رفتن] او، آن گوساله را [به پرستش] گرفتید، در حالی که ستمکار بودید. خداوند پس از نجات بنی اسرائیل از سیطره فرعونیان، موسی (ع) را برای عبادت و مناجاتی خاص فرا خواند.

« وَ إِذَا وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً »

به کارگیری کلمه «لیله» (شب- با وجود اینکه معمولاً در بیان شبانه روز و مانند آن، از کلمه «یوم» (روز) استفاده می شود، اشاره به این معنا دارد که: وعده خدا با موسی (ع) برای عبادت و مناجات بوده است، از آنجا که موسی (ع) در میان بنی اسرائیل نیز اعمال عبادی داشته، معلوم می شود که آن دعوت برای عبادت و مناجاتی خاص بوده است.

منبع:

تفسیر راهنما، هاشمی رفسنجانی، اکبر، جلد ۱، صفحه ۱۰۸.



چهل شبانه روز میقات موسی (ع)

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِهِ: «وَ إِذَا وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» قَالَ: كَانَ فِي الْعِلْمِ وَ التَّقْدِيرِ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً ثُمَّ بَدَأَ لِلَّهِ فَزَادَ عَشْرًا فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ لِلْأُولَى وَ الْآخِرَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»

از امام باقر (ع) در باره سخن خداوند: «وَ إِذَا وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» روایت شده که فرمود: در علم و تقدیر الهی این بود که سی شب باشد، سپس برای خدا بدا حاصل شد و ده روز اضافه گردید. پس میقات موسی (ع) در وعده اول و آخر چهل شب شد.»

منبع:

تفسیر راهنما، هاشمی رفسنجانی، اکبر، جلد ۱، صفحه ۱۱۰.



سرگردانی چهل ساله قوم یهود در بیابان

پروردگارا؛ من تنها اختیار خود و برادرم را دارم و نمی توانم این قوم را به اطاعت فرمان تو ناگزیر سازم. پس بین من و این مردم عصیانگر جدایی بینداز. خدای تعالی فرمود: به جرم این نافرمانیشان، این سرزمین مقدّس تا چهل سال بر آنان ممنوع شد. در نتیجه، چهل سال در بیابان سرگردان خواهند بود، و تو برای این قوم عصیانگر هیچ اندوه مخور. ای محمد؛ داستان دو پسران آدم (هابیل و قابیل) را که داستانی است حق، برای مردم بیان کن که هر دو برای نزدیک شدن به خدا، چیزی را قربانی کردند. قربانی یکی از آن دو (هابیل) قبول شد و از دیگری (قابیل) رد شد. و او به آن که قربانش قبول شده بود گفت: من تو را خواهم کشت. او گفت: خدای تعالی، قربانی را از مردم با تقوا می پذیرد. و تو اگر دست خود را به سوی من دراز کنی که مرا بکشی، من هرگز خود را به سویت دراز نخواهم کرد (تا تو را بکشم) زیرا من از خدای جهانیان می ترسم.

منبع:

القرآن الکریم (ترجمه با الهام از نظریات علامه طباطبایی)، آیت اللهی، مهدی، صفحه ۱۷۷.



چهل شب میقات موسی (ع) و جانشینی هارون برادرش

گفت: چگونه برای شما غیر از خدای یکتا که بر اهل زمانه خود برتریتان داده است، خدایی بجویم (و یاد کن) هنگامی که شما را از فرعونیان نجات دادیم که شما را سخت شکنجه می کردند و پسرانتان را می کشتند و زنانتان را زنده نگه می داشتند. و در این کار، از طرف پروردگارتان آزمایش بزرگ بود. و با موسی سی شب وعده کردیم و آن را به ده شب دیگر کامل نمودیم. و وعده پروردگارش چهل شب به سر آمد. موسی به برادر خویش هارون گفت: «میان قوم من جانشین من باش و به اصلاح کارشان پرداز و از افسادگران پیروی مکن. و چون موسی به وعده گاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا! خودت را به من بنمایان که ترا بنگرم. گفت: هرگز مرا نخواهی دید ولی به این کوه بنگر، اگر بجای خویش برقرار ماند، شاید مرا توانی دید.

منبع:

القرآن الکریم (ترجمه با الهام از نظریات علامه طباطبایی)، آیت اللهی، مهدی، صفحه ۲۶۸.



گوساله پرستی قوم یهود در چهل شبانه روز در میقات موسی (ع)

و چون از فرعونیان که بدترین شکنجه ها را به شما می دادند، نجاتتان دادیم و آن این بود که پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را زنده نگه می داشتند و در این کارها تلاش بزرگ از طرف پروردگار شما بود. و چون دریا را برای شما بشکافتیم و نجاتتان دادیم، و

فرعونیان را جلوی چشم شما غرق کردیم، و چون با موسی چهل شب وعده کردیم و پس از او (توسط سامری) گوساله پرست و ستمکار شدید.

منبع:

القرآن الکریم (ترجمه با الهام از نظریات علامه طباطبایی)، آیت اللهی، مهدی، صفحه ۱۲.



ساختن گوساله توسط سامری

عجیب اینکه، بعضی از مفسران نقل کرده اند که این دگرگونی های انحرافی در بنی اسرائیل تنها در چند روز کوتاه واقع شد. هنگامی که ۳۵ روز از رفتن موسی به میعادگاه گذشت. سامری دست به کار شد و از بنی اسرائیل خواست تا تمام زیورآلاتی را که از فرعونیان به عاریت گرفته بودند و بعد از داستان غرق آنها، با خود داشتند، جمع کنند. در روز سی و ششم و سی هفتم و سی هشتم همه آنها را در بوتی ریخت و آب کرد و مجسمه گوساله را ساخت. و در روز سی و نهم آنها را به پرستش آن دعوت کرد. و گروه عظیمی (طبق پاره ای از روایات ششصد هزار نفر!) آن را پذیرا گشتند و یک روز بعد، یعنی با پایان گرفتن چهل روز، موسی بازگشت.

منبع:

تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، جلد ۱۳، صفحه ۲۷۴.



ناشکری های یهود در دوره سرگردانی

وقتی قرار شد چهل سال در وادی «تیه» سرگردان بمانند، و خداوند با من و سلوی غذاهای پاکیزه و خوش خوراک و بی زحمت آسمانی که از ابر می بارید) از آنان پذیرایی می کرد، به حضرت موسی شکوه سر دادند که: تا کی باید ما یک نوع غذا بخوریم؟ خسته شدیم! دیگر طاقت نداریم! به پروردگارت بگو برای ما از زمین سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برویاند. (آیه ۶۱، سوره بقره)

منبع:

سیمای صابران در قرآن، ترجمه الصبر فی القرآن، قرضای، یوسف، صفحه ۱۴۹.



گوساله پرستی

از زشت ترین اوصافی که قرآن برای بنی اسرائیل ذکر می کند، و در چند جای قرآن با تلخی از آن نام می برد، گوساله پرستی ایشان در خلال چهل روز غیبت موسی (ع) و رفتن آن حضرت به کوه طور و مناجات با خدا است. مطلبی که در چندین جای قرآن مورد بحث و انتقاد قرار گرفته است. در سوره بقره آیه ۵۱، مختصراً می فرماید: «وَإِذَا وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ». حضرت موسی با مشاهده این وضع، قوم یهود را می فرماید: «إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» که از سنگینی این مجازات می توان به عمق عمل زشت یهودیان پی برد.

منبع:

درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن، گواهی، عبدالرحیم، صفحه ۲۶۶.

میقات موسی (ع)

(آیه ۶۹) به یاد بیاورید که چگونه دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات دادیم. و فرعونیان را در حالی که آنها را تماشا می کردید، غرق ساختیم. اما زمانی که با موسی (ع) چهل شب وعده گذاشتیم و او به کوه طور برای ملاقات ما آمد تا فرمان های دهگانه مرا به شما بیاورد، گوساله را خدا و معبود خود قرار دادید. و با این عمل، به خودتان ستم کردید. بعد از این ماجرا، شما را بخشیدیم، شاید شکر این نعمت را بجای آورید و بیاد بیاورد که به موسی کتاب و وسیله تشخیص حق از باطل را دادیم تا شاید به راه راست هدایت شوید.

منبع:

گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن) حجتی، مهدی، صفحه ۸.



تحت فشار و اجبار

یک وقتی هم هست که انسان خودش مستضعف نیست؛ اما وی را در شرایطی قرار می دهند که دیگر کاری از دستش ساخته نیست. مانند اینکه فرد عاقل و بالغ و مکلفی را غل و زنجیر کنند و در کنج زندانی بیندازند که هیچ راه فراری نداشته باشد. قرآن کریم نمونه این استضعاف را، در سوره اعراف آیه ۱۵۰، در باره هارون برادر حضرت موسی (ع) نقل می کند که وقتی آن حضرت با اعتراض در مورد علت گوساله پرست شدن قوم بنی اسرائیل در دوران غیبت کوتاه (چهل روزه) خویش و رفتن به طور سینا، از هارون می پرسد، در حالی که شخصاً هارون، برادر و پیامبر پس از خویش، را بر آنان گمارده بود، هارون پاسخ می دهد: «قَالَ ابْنُ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونِي فَلَا تُشْمِتْ بِي الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» یعنی: ای پسر مادرم، این قوم مرا مورد استضعاف قرار دادند و کم مانده بود که مرا بکشند، پس دشمن را به من شادکام نکن و

مرا در کنار ظالمین (کفار بنی اسرائیل) قرار مده. به همین دلیل هم هارون مورد بخشش خداوند و حضرت موسی (ع) قرار می گیرد و در کنار آن جناب باقی می ماند.

منبع:

درآمدی بر تاریخ ایران در قرآن، گواهی، عبدالرحیم، صفحه ۴۲۸.



وعده خدا با موسی

ما با موسی سی شب در کوه طور وعده گذاریم و برای آزمایش قوم او، ده شب بر آن افزودیم و به این ترتیب، میعاد پروردگارش با او چهل شب شد. هنگامی که موسی می خواست به کوه طور برود، به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قوم من باش و آنها را اصلاح کن و از روش مفسدان پیروی منما».

منبع:

گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن) حجتی، مهدی، صفحه ۱۶۷.



سرگردانی یهود در بیابان ها

یهود گفتند: ای موسی، تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد آن نخواهیم شد. تو و پروردگارت بروید و با آنان جنگ کنید. ما همینجا نشسته ایم. موسی گفت: پروردگارا، من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم، میان من و این جمعیت گنهکار جدایی بیفکن.

خداوند به موسی فرمود: این سرزمین تا چهل سال بر آنها ممنوع است و به آن نخواهند رسید. پیوسته در زمین سرگردان خواهند ماند و در باره سرنوشت این جمعیت گنهکار غمگین میباشد.

منبع:

گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن)، حجّتی، مهدی، صفحه ۱۱۲.



میقات موسی (ع)

سامری موسی علیه السلام در سینا مأموریت یافت که مدّتی دور از قوم خود در محلی به مناجات خدا پرداخت و از خداوند قانونی برای اداره بنی اسرائیل دریافتی بیاید یعنی الواح تورات را.

در آیه ای می خوانیم که مدّت خدا چهل روز بوده و در آیه دیگر، سی روز ولی ده روز بر آن افزوده شد.

«وَ إِذَا وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعَجَلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ اَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (بقره آیه ۵۱)؛ این آیه در چهل بودن صریح است ولی آیه «وَ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيْقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً» (اعراف، ۱۴۲) وعده ملاقات را سی روز ذکر می کند که ده روز دیگر بر آن افزوده شده.

منبع:

قاموس قرآن، قرشی بنایی، علی اکبر، جلد ۶، صفحه ۳۱۴.



میقات موسی (ع)

ما از وعده خداوند با حضرت موسی علیه السلام تصور می کردیم که دوره ی مناجات سی شب است «وَ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً»، اما بعداً ظاهر شد که از اول برنامه چهل شب بوده است ولی خداوند به جهت آزمایش، آن را در دو مرحله اعلام فرموده است؛

ابتدا سی شب و سپس ده شب.

منبع:

تفسیر نور، (طبع قدیم)، قرائتی، محسن، جلد ۶، صفحه ۲۴۷.



میقات حضرت موسی (ع)

پاسخ این است که، از نظر قواعد اصولی و قوانین عقلانی در محاوره های بشری، مورد مخصّص نیست، بلکه ظاهر لفظ معیار است. هر گاه ظاهر کلام عمومیت و اطلاق داشته باشد، هر چند در مورد خاصی وارد شده باشد، باید به عموم با اطلاق آن عمل کرد. شاهد بر این مطلب این است که، اگر حضرت موسی بار دیگر امت خویش را ترک می کرد، و کسی را به عنوان جانشین خود تعیین نمی کرد، مسؤولیت رهبری بر عهده هارون بود و امت او می بایست به او رجوع کنند. اکنون، اگر فرض کنیم، هارون پس از موسی زنده می بود، نیز همین مقام را داشت، چرا که نیاز بنی اسرائیل به رهبری به قوت خود باقی بود. در حقیقت، موضوع حکم، نیاز مردم به رهبری و نبودن موسی در میان آنان بوده است و رفتن به میقات، و نبودن چهل شبانه روز در میان بنی اسرائیل خصوصیتی نداشته است.

منبع:

درآمدی به شیعه شناسی، ربانی گلپایگانی، علی، صفحه ۲۶۷.



سرگردانی یهود در صحرای سینا

مراد از کتاب، شاید اراده باشد، بعضی هبه و بعضی قسمت گفته اند، یعنی: ای قوم

بزمین مقدّس که خدا برای شما اراده فرموده درآئید و عقبگرد نکنید. زیانکاران می شوید از «وَلَا تَرْتَدُّوا» روشن می شود که این کتابت مشروط بوده است، چنانکه از موسی پیروی نکردند تا در آیات بعدی فرمود: «فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ»؛ مدت چهل سال در صحرای سینا سرگردان ماندند، تا موسی و هارون و بقولی همه مأمورین، بآن خطاب در صحرای سینا از بین رفتند و بنی اسرائیل در زمان یوشع بفرسطين درآمدند و از آیات اول سوره بنی اسرائیل روشن می شود که، آن ورود هم دائمی نبوده و مشروط بعدم فساد در زمین بوده ولی در عصر یوشع، وعده «كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» تحقّق یافته است.

(المیزان در اینجا بیان محکمی دارد، رجوع شود).

منبع:

قاموس قرآن، قرشی بنایی، علی اکبر، جلد ۶، صفحه ۸۳.



سرگردانی یهود

حوادث زیاد و بیشماری در امت های گذشته بوده است که در این امت وقوع نیافته. مانند گوساله پرستی و سرگردانی چهل ساله بنی اسرائیل، غرق شدن فرعون و پیروانش، سلطنت سلیمان بر انس و جن؛ رفتن حضرت عیسی به آسمان، مرگ هارون که وصی حضرت موسی بود قبل از خود وی، وقوع معجزات نه گانه حضرت موسی، ولادت حضرت عیسی بدون داشتن پدر، مسخ شدن عدّه زیادی از امت های گذشته و به صورت میمون و خوک شدن آنان؛ و مانند ده ها وقایع و حوادثی که از حدّ شمارش بیرون است.

منبع:

شناخت قرآن، نجمی، محمدصادق، صفحه ۱۹۷.



ادعای یهودیان در مورد محدود بودن عذاب الهی برای آنها

« وَ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ » آل عمران: ۲۶. این ادعای یهود است راجع بعذاب آخرت. و مرادشان کم بودن مدت است. بقولی، مراد از ایام معدودات، چهل روز است بقدر مدت عبادت گوساله؛ بقولی مدت آن هفت روز بود و همان هفت روز مراد است و از جبائی نقل شده که: غرض قطع شدن عذاب است، یعنی پیوسته در عذاب نخواهیم بود. قول جبائی و هفت روز از قول اول اقوی است؛ که بنی اسرائیل همه چهل روز مدت میعاد یونس را عبادت گوساله نکردند بلکه بعد از گذشتن یک ماه آن زمزمه پیدا شد و الله العالم.»

منبع:

قاموس قرآن، قرشی بنایی، علی اکبر، جلد ۴، صفحه ۳۰۰.



سرگردانی قوم بنی اسرائیل

ذکر این نکته نیز لازم است که از جمله «من الذین یخافون» در آیات گذشته، چنین استفاده می شود که اقلیتی در میان بنی اسرائیل بودند که از خدا می ترسیدند و یوشع و کالیب جزء آنها محسوب می شدند، ولی در اینجا می بینیم، موسی تنها از خودش و برادرش هارون اسم می برد و اشاره ای به آنها نمی کند، شاید این موضوع به خاطر آن باشد که هارون هم جانشین موسی بود و هم شاخص ترین فرد اسرائیل بعد از موسی، و

لذا، نام او را بخصوص برد.

سرانجام، دعای موسی (ع) به اجابت رسید و بنی اسرائیل نتیجه شؤم اعمال خود را گرفتند، زیرا از طرف خداوند به موسی چنین وحی فرستاده شد که: «این جمعیت از ورود در این سرزمین مقدّس که مملو از انواع مواهب مادی و معنوی بود، تا چهل سال محروم خواهند ماند».

منبع:

تفسیر نمونه (تفسیر و بررسی تازه ای در باره قرآن مجید)، مکارم شیرازی، ناصر، جلد ۴، صفحه ۳۴۳.



میقات موسی (ع)

الواح، جمع لوح بمعنی صفحه ی پهن که از چوب و یا چیز دیگر درست شده باشد. حبطت - از مصدر حبط و بفتح اول و سکون دوم، به معنی بیهوده شدن کار و هدر شدن خون مقتول و خشک شدن آب چاه، ترجمه ۱۳۹ و ما با موسی سی شب وعده دیدار دادیم و با ده شب [که بر آن افزودیم روزگار دیدار را] تکمیل کردیم. پس میعاد موسی با پروردگارش چهل شب تمام بود. پس موسی [بهنگام رفتن بوعده گاه] ببرادرش هارون گفت: «تو در میان پیروان من جانشینم باش و کارشان ساز کن و براه بدخواه مرو». چون موسی بوعده گاه ما آمده و خدایش با او سخن گفت، موسی گفت: «پروردگارا، خود را به من بنما تا بتو بنگرم». او گفت: «ای موسی، هرگز مرا نه بینی ولی باین کوه نگر، اگر او بجای خود بماند، شود که مرا به بینی». پس چو پرتوی بر کوه فکند، آن را همواره زمین کرد و موسی بروی زمین افتاد و بیهوش شد.

منبع:

تفسیر عاملی، عاملی، ابراهیم، جلد ۴، صفحه ۲۲۴.

نمودار شدن حکومت بی نهایت حق بر کوه

سخن ما: آیت اول «واعدنا موسی» تا آخر شاید این طور فهمیده شود که موسی موظف بود و باو الهام شد که برای فراغ از کارهای مردم و زندگی در اجتماع و وصول به کمال فکری و معنوی، و لیاقت فرا گرفتن الواح و دستور تربیت ملت خود که مقام اولوالعزمی است، مدت سی روز در مجاهده و مراقبه و خلوت باشد. و چون خود را ناقص یافت، که مجهز برای فرا گرفتن الواح نشده است، بمدت خلوت خود ده روز افزود تا به مقام کلیمی واصل شد. پس مواعده ی اول الهام اولی او است و اتمام بعشر احساس نقص و عجزی است که موسی نسبت به خود دریافت. از این جهت ده روز دیگر ماند تا کامل شد و قابل برای خطاب «فَخَذَّ مَا آتَيْتَكَ» و الواح باو عنایت شد.

۲- آیت دوم «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى» تا آخر، شاید توضیح احساسات موسی باشد. که چون مدت اربعین و چهل روز ریاضت او نگذشته بود و بعالی مرتبه ی کمال خود نرسیده بود و از ذوق کلام مبهوت عالم الهامان و جذبات شد، توقع رؤیت و دیدار دوست نمود، برای جواب و تأدیب و تکمیل او نمونه ای از قدرت بی نهایت بر کوه نمودار شد. که ناگهان کوه متلاشی شد و موسی بیهوش بر زمین افتاد.

[سوره ۷ (الأعراف): آیه شماره ۱۴۷ الی ۱۵۴].

منبع:

تفسیر عاملی، عاملی، ابراهیم، جلد ۴، صفحه ۲۳۲.



گوساله پرستی قوم یهود

پس وای بر آنها که نامه و کتابی بدست خود می نویسند و می گویند از جانب خدا است تا سود ناچیزی برند. پس وای بر نوشته شان و کسب و کارشان. جهت نزول: مجمع ابن عباس و مجاهد گفته اند: «یهود مدینه معتقد بود ند که عمر دنیا هفت هزار سال است. و همان اندازه در عالم دیگر آزار می برند و پس از آن، آسوده اند. عکرمه گفته: «آنها معتقد بودند که چون یهود چهل روز گوساله پرستیده اند، چهل روز هم در عالم دیگر در آزارند و سپس آسوده اند. این چند آیت برای سرزنش از این عقیده نازل شده است. ترجمه؛ یهود گفتند در عالم دیگر بجز چند روز آتش ما را نپساید؛ تو بآنها بگو، مگر شما از خدا پیمان گرفته اید [و او ناچار است و نباید از وعده ی خود تخلف کند] و یا ندانسته چیزی گوئید.

منبع:

تفسیر عاملی، عاملی، ابراهیم، جلد ۱، صفحه ۱۱۱.



حرام شدن زنِ برادر بر برادر

بعد در باب یازدهم سفر لاویان و باب چهاردهم سفر تثینه دارد که تورات این اباحه کلیه را نسخ کرد و بسیاری از حیوانات را حرام نمود.

و همچنین، در سفر تکوین (پیدایش) باب ۲۹ از آیه ۲۳ تا ۲۰ دارد که، یعقوب جمع بین دو خواهر نمود و در سفر لاویان باب ۱۸ آیه ۱۸ دارد که تورات آن را حرام کرد.

و در سفر خروج باب ششم آیه ۳۰ دارد که عمران پدر موسی عمد خود را گرفت و در آیه ۱۲ باب سفر لاویان دارد که، تورات آن را حرام کرد.

و نیز، در آیه ۱۶ باب ۱۸ سفر لاویان دارد که حرام است زن برادر بر برادر و در سفر تثینه دارد که، بعد از چهل سال جائز شد که زن برادر را برادر بگیرد، در صورتی که اولاد نداشته باشد، ای غیر ذلک.

و در انجیل نیز حکم طلاق تورات را نسخ کرده و همچنین، حکم دفاع با سارق و قصاص و پس گرفتن مال را که در تورات است، نسخ نموده و این حکم را دفع شر بشر دانسته و همچنین حکم ختان که از زمان ابراهیم تا زمان عیسی علیه السلام بوده، بولس بکلی نسخ کرده است و غیر اینها از موارد دیگر که در تورات و انجیل ذکر شده.

منبع:

کلام الطیب در تقریر عقاید اسلام، طیب، عبدالحسین، صفحه ۱۵۳.

